

قابل دقت و ملاحظه

« يك از ارباب اطلاع و تهذيب می نویسد »
 افسوس دارم عرض کنم که با همه دواعی خوشنودی از هم مالا مال ، زیرا که تخریب عمارتی هر قدر رصیح و محکم شد چندان صعب نیست ولی تعمیر عمارتی بهتر - کاری است بس مشکل . تخریب عمارت فقط بیل و کجک میخواید ولی تعمیر عمارت مهندسین ماهر معماران قابل و عقل و سلیقه سلیم و سرمایه جسیم میخواید - حال باید دید هیچیک از شرایط تأسیس عمارت جدید خوب موجود است یا نه ، قدریکه علم بنده احاطه دارد و باندازه که بنده از ایرانیان می شناسم (یعنی گلهای سرسبد ایراینها را) همچو قوه در آنها نمی بینم !! کسانی از ایرانیان که در میدان پلنیک کر و فری میکنند سه فرقه اند

یکی فرقه دیوانیان قدیم اند که از مهد تربیت بشر خیانت و جاپلوسی و عیب خوئی و رشوه خواری و بی شرفی پروریده شده اند - و از حلیه هر قبیل فضائل و علوم مغرب و مشرق عاری اند - عرش المرفت آنها داستان اساسی اعذبه و فواحه فطاط مختلفه ایران ، و چند شوخی هرزه ، از امتیازات طیدی هم که صاحب کله باشند یا هوش بیر معمولی بی بهره اند ، و در رعب و حنم که گرو از عالم میبرد ما بیک آبر یا بوی خطری از هم می پاشند یکی دیگر هم فرقه فرسکی مآبان و حیوانان خارجه دیده اند و صاحب کم و بیش اطلاعات و السنه خارجه ، آنها هم عدد شان خیلی معدود است - در میان آنها هم معدودی هستند که دارای اندک سرمایه علمی میباشند ، در میان اینها شخص ما معز و هوش فوق العاده دیده شده و هم بی تجربه اند . مرض درووغگوئی و خود ستائی و شارلاتانی و حین و خود پرستی هم در آنها بدرجه قصوی است ، زمره هم هستند که اشترکاو پنگ اند ، به ار آن فرقه اند نه ازین فرقه ، مختصری از ترجمه بعضی کتب را خوانده و چند لفظ اصطلاحی از السنه خارجه یاد گرفته اند ، کارشان را منحصر به احترامی و بدگوئی ساخته میخوانند ایران مدار بشوند ! در این صورت بکدام يك از این سه فرقه متهمان امجدوار شد که توانند تأسیس عمارت جدید

بهتری نمایند ؟ یا بتوانند ایران را از خطر محفوظ دارند ؟

از آنطرف هم بهیئت مجموعی ملت بطرمی افکنیم می بینیم جاهل که هستند سهل است بقدر سرسوزنی از جوهر فرد (مورالی) یعنی اخلاق و صفات خوب در آنها پیدا نمی شود ، همه بست و رذل همه درووغگو و اغراق گو عیب جو و ترسو و خائن و منتن ! بقول لره ، بکدام دردت بنام ! از طرف دیگر يك دو نفر صاحب کله و با علمی که قدم جلالت پیش گذاشته این گاه را براه راست بیندازد و رو بکعبه مقصود بدواند نمی بینم ! مگر اینکه حالا که مواج مقفود و مقتضیات موجود شده با بدایره جلوه و شهود بگذارند ،

قطط چاره که مفید بنظر میرسد این است که اگر در اولیای دولت جدید اندک آثاری از وطن پرستی هست تصدیق حکم همه عالم رفتار کرده خود را عقل کل و قدرت محض بنمایند - بطوریکه حبل المثلن کراراً بصیحت داده برای مریک از ادارات مشاورین مجرب متدین (بی در هر مذهب متدین و غیر متدین هست) جلب کنند با کمال ملاحظه و احتیاط و رعایت جاب مقتضیات ، پیروی از هدایت و دستور آنها کنند و اعضای ادارات را مستقل کنند ، اعضای مجلس محترم نیز در هر مبحث و مسئله این چند نکته را از نظر دور نکنند

اولاً بقر کنند که عالم با کان و ما یكون تشریب ندارد ثانیاً تربیت پلنیک بیافته اند (فرضاً هم زبان بداند یا لندن و پاریس دیده باشد) ثالثاً ایران اروپا نیست و طهران لندن و پاریس نه ، رابثاً باید کم گفت و بر کار کرد ، حامساً اشخاصی را که محتمل است سفارتخانه های خارجه کتب اسرار کنند مجالس و کومیتی های مخزیه راه دهند ، سادساً وطن در خطر است ، و این بساط آخرین علاج اوست ، باید اعراض شخصی را در محراب حوائردی قربانی کرد بعد از ملاحظه این نکات دو قوه مجریه و منتنه باید تمام هم را به احرای تحصیل و تهذیب اخلاق مردم ، تربیت اجباری بخصوص در میان طوایف بکارند چه اخلاق حسنه اساس همه سعادات است ، بتواریج رجوع کنیم می بینیم مادامیکه (مورالیتی) یعنی اخلاق حسنه و راست گوئی و درست کرداری

در بین هر ملتی رواج داشته سرآمد ملل عالم بود و در اوج عزت و قدرت پرواز میکرد ، بمجردیکه اخلاق سبک درمیان آنها پدید میشد روز بروز رو به پستی میگذاشتند تا به حدیض ذلت میرسیدند بلکه از دایره ملی محو و نابود میشدند

(روم) و اسپانیول از آنهمه شکوه و قدرت نیوفادند مگر برای بروز سوء اخلاق درمیان آنها ایرانیان باین حال پستی و نکبت نیوفتاده مگر بسبب رواج سوء اخلاق ، امروز دروغ گوئی و اغراق جوئی که منشاء تمام قبایح و مقاسد و مولد بی شرفی و جبن و نفاق با سرشت ایرانی (از هر طبقه باشند بدون استثناء) آشته و طیبت ثانوی برای آنها کشته است ، مادامیکه سی در قلع و قمع این مکروب و ماده خبیثت از خود نکوشند و اولاد خود را از آلائش و گرفتاری بدان مرض محفوظ ندارند محال است بپیچ پایه از مراتب سعادت برسند یا توانند قدم در دایره استقلال و عزت بزنند - از تاریخ شدت شیوع این مرض در عهد دولت قاجاریه باید عبرت کرد - همینطور که در اجتماع مکروب طاعون صحت از محالات است همانطور اتفاق و دروغگوئی با سعادت و عزت از محتملات است

تمام نکبت و ذلت ایران چون درست تدقیق شود کنش دروغگوئی میرسد - تمام سعادات از ایرانیان بجهت شیوع این صفت مذمومه سلب شده نه در انظار خارجه ما بر قول و حرمت آنها اعتماد و اعتباری است و نه در بین خود و حرف و قول یکدیگر استادی ، خارجه جهنم ، روابط کاری و تجارتی با خارجه که سرمایه اش درستی و دست کرداری است جهنم ، در مملکتی که دو نفر محض نوبه بهم نرسد که بر قول و حرف یکدیگر اعتماد کنند چگونه اتفاق که پایه و اساس تمام سعادات عالم است ممکن است بهم برسد ، در بین ملتی که اتفاق نشد ملیت و استقلال دولت و پارلمان بر چه اساس پایدار تواند ماند ، حاشا دیگر چنین ملتی را جز رعیتی و بندگی و اسیری و بارکشی ملل خارجه هرگز نصیب نخواهد شد -

هند چرا هیچ وقت دارای استقلال دولتی و ملیتی نبوده و همیشه در زیر بار تحکم ملل مختلفه عالم بودند ؟ بحیثه دروغگوئی و نفاق که همه لازمه

ملزوم یکدیگراند

این لازم است که عقلا و دانایان ملت را دعوت کرد که این مسئله را مطمح نظر و مورد تامل جدی ساخته و هر یک آراء خود را در تاسیس تربیتی و علاجی نافع که بسرعت تواند قلع این مکروب را از مملکت ایران نماید در صفحات روزنامهها انتشار دهند ، و اولیای امور اجرایی انفع و اسرع آن ترتیبات را در مدارس و مکاتب دارالفنونها جداً منظور دارند

مکتوب از کبرج

باز هم چه باید کرد

ما ایرانیان که امروز دست ظلم را قطع کرده و میخواهیم خانه مخروبه خود را با تاسیس یک عدالت دائمی آباد و استقلال ملی خود را که بی او هیچ شرفی نداریم حفظ کنیم باید اول این را بدانیم که مشکلات داخلی و خارجی باندازه داریم که ما فوق تصور ما است و از صد و هفتاد سال باینطرف خرابیهای بی دربی که از داخل و خارج بخانه ما رسیده قوای مادی و معنوی ما را بکلی صیقل و حیات استقلال ما را که وقتی دولتها در سایه او مستقل بودند بموتی آویخته و نزدیک است از هم بگسلد ، و این مشکلات را که با یک نظر سطحی بحال ملت و دولت و مملکت میتوان کشف کرد باید بفهمیم تا چاره برای هر یک از این مشکلات در خور او پیدا کنیم ، زیرا (مشکلی نیست که آسان نشود برای یاد آوری بهموطنان عزیز بعضی از مشکلات را در اینجا بیان نموده و چاره آنها را هم تا آنجائیکه بمقتل قاصر خود میرسد ذکر میکنم اول مشکلات داخلی ما اینست که اتفاق و اتحاد که اساس هرگونه سعادت است و بی وجود او هیچ کاری برای ما ممکن نیست نداریم

دوم بول نداریم و باندازه فقیریم که اگر یک ملیان تومان برای دولت ما لازم باشد که جرخ ادارات حکومت را که از سوء حکومت سابقه از کار مانده بحرکت بیاورد نمیتوانیم تدارک کنیم سیم قوه عسکریه که حیات ملی ما بسته بوجود او است نداریم و باندازه صعیفیم که اگر نخواهیم ده هزار سرباز منظم بیک نقطه از نقاط مملکت جمع کنیم برای ما ممکن نیست

ب چهارم وزیرای مائل و سیاسی و بیغرض که
عده این مشکلات را بتواند حل کنند نداریم
بم مردمان تربیت شده که از وضع داخله و
خارج مملکت اطلاع داشته باشند تا کرمهت بر میان
بسته در تمیر این خانه مخرمه معاری کنند نداریم
ششم فضیلت اخلاق که یکی از شرایط مهمه
امنیت و ترقی و سعادتست نداریم

هفتم چیرایدی که خادم تهذیب اخلاق ملت باشند
و از روی بیغرضی چیزی بنویسند نداریم
هشتم راه آهن که بهترین وسیله اتحاد مابین ملت
و ترقی تجارت و ثروت است نداریم

نهم صنایع و قنون در مملکت ما معدوم و برای
هیچ کاری صنعتکار نداریم و نداریم ، و نداریم ،
اما هیچ نداریم ، مشکلات خارجی ما بسیار عظیم
و از مشکلات داخلی مان بمراتب بالاتر و بدتر است
محض اینکه خوانندگان محترم را از زحمت طول
کلام آسوده کنیم تعریف این مشکلات را با یک جمله
مختصر میکنیم تا از این مجمل حدیث منحل بخوانند
امروز دولت ایران اما همان ایرانی که
فرمانفرمای عالم بود در دست سیاست دو همسایه
عزیز که چشم از خود را بملك ما دوخته و شب
و روز مشغول کشیدن نقشه جدیدی برای ربودن
این یکمشت خاك که هر قبضه او با خون نیاکان
ما سرشته است کالیت بی بدی الفسال مانده و جز
یک معجزه (مثلاً معجزه نادری) که حیات بر
جسم او دمیده و او را از نو زنده و در حرکت
خود مستقل و مختار نماید هیچ امیدي برای اوباقی
نمانده ، این مشکلاتیست که داخل و خارجاً ما داریم
و تا رفع این مشکلات را از داخل و خارج نکنیم
هیچ چیز نداریم

این حالا به بینیم که چاره این مشکلات تا بتواند
خانه و پیرانه ما را آباد و استقلال ملی مرده ما را
دوباره زنده کند چیست ؟ هست همچو چاره یانه ؟
و اگر هست محالست یا ممکن ؟ همان جوری که
مشکلات داخلی و خارجی را بر شمریم برای هر یک
از آنها هم چاره داریم

مثلاً چاره اینکه قوه عسکریه نداریم و نمیتوانیم
ده هزار سرباز منظم یک از نقطه از نقاط مملکت
جمع کنیم چیست ؛ البته هر خواننده خواهد گشت

گرفتن و تطبیح دادن سرباز . ولی تا اساس حقیقی
اینهمه چاره ها را محکم نکنیم هیچ چاره برای ما
قائده نخواهد بخشید و بهر کاری تثبیت کنیم نتیجه
نخواهیم گرفت

آن اساس مقدس حقیقی چیست ؛ اتفاقست
اتفاقست اتفاق ، روزی که ما اساس این چاره ها
یعنی اتفاق را محکم کردیم همانروز چاره های
لازمه را کرده ایم ، و همان روز ایران و پران ما
با آبادی رو خواهد گذاشت و استقلال مرده ما
دوباره زنده خواهد شد ، اول باید این اساس را
محکم کرده بعد سایر وظایف بپردازیم ، اما وظایف
ما زیاد و همه مهمند ، ولی یک وظیفه را باید باز
برای یاد آوری که اهم از هر وظیفه است و دوم
اساس هر چاره محسوب میشود ذکر میکنیم ، زیرا
همینکه از عهده این وظیفه اهم برآیدیم مثل ایست
که از عهده همه وظایف برآمده ایم ، و آن وظیفه
اهم اینست که ما باید کایه توجه خود را مسطوف
بانتهاب وکلای مجلس شورای ملی که سعادت شخصی
و نوعی و استقلال ملی ما بسته بخوبی و بدی ایشانست
نموده کسانی را که دارای صفات ذیل باشند (یعنی
راستگو و راست کردار باشند وطن پرست باشند
رشوت خور نباشند ، بعلم حقوق و سیاسی آشنا باشند
از تاریخ و احوال جغرافیای مملکت مطلع باشند
میان رو باشند) انتخاب کنیم ، و کمال بیغرضی و دیانت
را در انتخاب ایشان باید معمول داریم و کسانی را که
دارای صفات مذکوره باشند ولو از هر طبقه باشند
یا دشمن شخصی ما هم باشند بر خوش طامران بد
باطن و جاهلان احق (مثل بعضی از وکلای مجلس
سابق) باقتضای وطن و خدا برستی باید ترجیح
بدهیم و هیچ غرض و خاطر خواهی بخرج ندهیم
زیرا غرض و خاطر خواهی در کاری که نفع و
ضررش تعلق بنوع دارد و شخصی نیست کمال بست
فطرتی و از گناهانیست که قابل بخشایش نیست ،
ما عجباً این دو وظیفه را که عرض شد یعنی یک
اتفاق حقیقی و اتحاد نوعی و انتخاب وکلای را که
متصرف بصفات مذکوره باشند باید بعمل بیاوریم ،
زیرا این دو وظیفه توأم اساس هرگونه سعادت و
ترقی ما هستند و سایر وظایف جزء این وظایف و
ردیف این دو وظیفه بودنشان نمیتوانند و محقق است ،

اما وظیفه وکلای ملت که مسئولیت سه-ادتمند و
بختیار کردن ملت را قبول میکنند چیست؟ وظیفه
مجلس بیشار ولی ناگزیریم از اینکه بگوئیم

اول وظیفه ایشان نیز اتفاق و بیخبری است
زیرا نفاق وکلا ضررش براتب از نفاق ملت بیشتر
است، چونکه نفاق ملت را وکلا میتوانند با نفاق
مبدل کنند اما نفاق وکلا را ملت نمیتواند تغییر بدهند
دوم تفریق قوه مقننه از قوه مجریه - در این

مسئله ملت هم باید شراکت با وکلا نموده مجلس
را محکمه عدلیه فرض نکند و شکایت خود را که
فلان ظلم بر من وارد شده نباید بمجلس ببرد،
چونکه این خدمت مخصوص به نظمی و عدلیه است
چنانچه در تمام مملکتها که مجلس دارند ملت هیچ
وقت شکایتی به مجلس نمیکند، وظیفه مجلس وضع
قانون و وظیفه حکومت اجرای قانونست و تا این
دو قوه از هم تفریق نشود هیچ کاری بسامان
نخواهد رسید و هر دو قوه هم ماطل و باطل خواهند ماند
خلاصه مجلس باید وظیفه خود را دانسته و

تنها بکار خود مشغول بشود و بکارهای دیگر
مداخله نکند تا هرج و مرج نشود، مثلی است
مشهور که در یکدست دو هندوانه نمیتوان گرفت
و اگر احیاناً شکایتی هم از ملت بمجلس شد باید
بکلی رد کرده و شاکی را بمرکز که قوه اجرائیه
است بفرستد و مثل سابق نگوید که (آقا مردم
را که نمیشود مایوس کرد)

سیم در انتخاب وزرا مجلس باید دقت نموده و
هیچ وزیری را هم مجبور قبول وزارت نکند
زیرا وزرائی که انتخاب خواهند شد وزیر مسئول
خواهند بود و دهنه قانون بر دهانشان زده خواهد
بود. این هم قانونی نیست که کسی را مجبور کنیم که
اید حکماً مسئولیت را قبول کنی و یا اینکه شش
دل بکشیم بروی وزیری یا دیگری که اگر فلان
خدمت را قبول نکنی ترا خواهیم کشت، چنانچه کردیم -

اختیارات تامه نیز باید مجلس بوزرا در اجرای
ات خود بدهند و بهیچگونه مداخله در
انگند، مثلاً مجلس همینکه کسی

معین کرد دیگر نباید مداخله
ولایات کند چون خود آن وزیر
حکومت معین میکند مستأداً است.

بمجلس کجا مانده رشوت بگیرند و حکام را بخواب
امین کنند چنانچه در زمان مجلس سابق کردند.
چهارم اشخاصی را که در جزو وکلا نیستند
ولو هرکه باشد در مجلس قبول نکنند مگر در جزو
تاشاچیان چه رسد بمداخله در امورات مجلس و
مملکت و تعیین وزرا و حکام چنانچه در مجلس
سابق بودند و هر روز رشوت از این و آن گرفته
علی را عزل و ولی را نصب مینمودند،

هیچ فراموش نمیکم سخنی را که سال گذشته
یکی از دوستان که شخصی متعمد و از جمله فراریان
بعد از خراب مجلس بود میگفت که در زمان مجلس
بخدمت فلان آقا رفتیم با نفاق چند نفر از دوستان
فلان و فلان و با آقا عرض کردیم که شما بیاید سالی
هیجده هزار تومان از ملت بگیرید و دست از
رشوت خوری و مداخله در مجلس و امورات ملت
بردارید و هر روزه رشوت از این و آن گرفته
عزل و نصب نکنید، فکری کرد و گفت که
به کتر از پنج-هزار تومان یا چهل هزار تومان
راضی نمیتوانم بشوم

پنجم اصلاح مالیاتست که مجلس باید تمام هم
خود را صرف نموده مالیات را که روح استقلال
مملکت است اصلاح نماید و بودجه مملکت را اگر
فلاً دخل زیاده بخرج نتواند بکند اقلاً تعدیل
نماید، در خصوص مستمری و مواجب های زیاد که
مفت خواران از حبیب ملت بیچاره میبرند با اعتقاد
بنده خوب است یعنی باین طریق که بگوید مستمری
و وظیفه مفت خواران تا زنده اند پرداخته خواهد
شد و بعد از وفات خود شان بوراث ایشان یعنی
ورثه دوره اول ایشان نصف مبلغ پرداخته خواهد
شد و بعد از وفات ورثه دوره اول بکلی قطع
خواهد شد تا اینکه آنها را که بمفت خواری عادت
کرده و چشم خود را بمقوق ملت درحالی که هیچ
مستحق نیستند دوخته اند پر رنجیده خاطر نشوند
و دولت هم بعد از پنجاه شصت سال بکلی از این
عادت مذمومه خلاص می شود و هرگاه قانونی بهتر
از این باشد چه بهتر

ششم قانون و حدود انجمنها را معین و پای
آنها را از مداخلات قوه مقننه و قوه اجرائیه
که تاه کند

دولت علیه ایران درین مدت مأموریت و قیام خود شان نموده اند ، انجمن وطن خواهان خطابه ذیل را بحضور مبارکشان در حالیکه جمیع بزرگان و اعیان قوم از هر طبقه حضور داشتند قرائت و علی‌الرسم در لوله بسیار ممتاز تره تقدیمشان نمودند ، خطابه مذکور بقرار ذیل است

صورت خطابه ایست که از طرف اعضاء
(انجمن وطن خواهان حضور جناب آقای)
(منقح السلطنه جنرال قونسول دولت)
(علیه ایران زید اقباله تقدیم شد)
(۲۰ شعبان)

حضور مبارک بندگان جناب مستطاب اجل اکرم
آقای منقح السلطنه جنرال قونسول دولت علیه ایران
دام اقباله العالی

ما اعضاء انجمن وطن خواهان با کمال ادب و احترام تشکرات صمیمانه قلبیه خود را از وضع انسانیت و حسن معنویت و آداب آدابی حضرت مستطاب عالی بحضور مبارک تبلیغ نموده بی نهایت اظهار مسرت مینمائیم چه در این موقع که ابواب سعادت بروی ملت ایران مفتوح شده ما ایرانیان بهی نیز بزیاد حصول این سعادت نائل گردیده ایم که نایبند لایق صادق چون حضرت مستطاب عالی از طرف دولت متبوعه خودمان بر ما مأمور شده است ، هر چند نظر بخدمات ممتده حضرت عالی این مأموریت دون مرتبه و شان حضرت عالی است ولی همین نکته خود پیشتر اسباب افتخار و مزید شرف و اعتبار ما ایرانیان هندوستان است که شخص محترمی چون حضرت عالی هندوستان را به منتظر آورده ما ایرانیان را به نعمت وجود خود مشرف و مباهی فرموده اید ، اگرچه خدمات صادقانه حضرت مستطاب عالی خاصه در این دوره اخیره نسبت بمتحصنین سفارتخانه انگلیس گوشزد ایرانیان این صفحات شده و موجب اطمینان و وثوق کامل قاطبه ایرانیان در حق آنوجود محترم گردیده بود ، در این قلیل مدت اقامت هندوستان هم مراتب صداقت وطن پرستی و مشروطه خواهی که از حضرت عالی آ در هر مورد و مقام بروز یافته بیشتر موجب امیدواری کافه هموطنان بدواریم که خدمات صادقانه حضرت عالی

وامنای ملت گردیده چنانکه شاید و باید مورد توجهات محومه کردند مجدداً تشکرات خود را از حسن سلوک و مکارم اخلاق و وضع محبت و مهربانی حضرت عالی که در این اندک زمان اقامت بمیشی در حق وضع و شریف بروز یافته عرض و ادا مینمائیم و از خداوند دوام عمر از دیاد عزت و شوکت و اقبال حضرت عالی را خواهان و بزنده باد آقای منقح السلطنه و یابنده باد دولت مشروطه ایران بلند آوازم

صورت خطابه ایست که آقای منقح السلطنه
(در جواب خطابه انجمن بیان فرموده اند)
آقایان - از اینجه مهربانی و حسن ظن که نسبت

باین بنده اظهار میفرمائید با هزاران زبان تشکر و عرض امتنان کرده از خداوند توفیق میخواهم که در مدت اقامت اینجا بتوانم بانجام خدمتی برای حفظ حقوق و آسایش و رفاه و ترقی هموطنان خودم که در این مملکت اقامت دارند نائل شوم که مهم ترین وظیفه و بهترین خوشوقتی برای من همین است و امیدوارم که با تقویت و مساعدت اولیای دولت علیه که امروز تمام هشان معروف باصلاح امور و آسایش ملت و ترقی مملکت است باین سعادت بطور شایسته نایل شوم

از خدمات گذشته بنده نسبت بملت که اشاره فرموده اید بعقیده خودم خیلی کوچک تر از آن بوده است که امتنان و ذکری را سزاوار آید ، ولی مقتضیات عصر گذشته شاید بروز پیش از آنرا در رشته امور اجازت نمیداد ، همینقدر خوشوقتم که تاکنون در راه خدمت به ملت و هموطنان خودم در هر حالت و موقع تا درجه را که در خود قوه پیشرفت تصور میکرده ام دقیقه فروگذار نموده و با تقضلات الهی در این زمان که بحمدالله از قوه فعل آمدن نیات حنه خدمتگذارانرا تسهیلاتی حاصل میگردد امید است که خدمات لایق تری را نیز موفق آید

یکی از بزرگترین جهات مهمه که قلب این بنده را مشغوف میدارد و خود را با آرزو های قلبی خود نزدیک می بینم يك نوع اتفاق و اتحاد معنوی حقیقی است که ما بین برادران وطنی خود مشاهده میکنم ، چنانکه در این مجلس محترم نیز می بینم که جمعی از برادران عزیز و

✦ اخبارات متفرقه ✦

مخبر روتر از اسلامبول خبر میدهد که سفر خط باید الی را در جواب خطوط دول در خصوص حکومت (کریه) خاطر خواه یافته و جواب آنرا لازم میدانند

مخبر روتر از توکیو خبر میدهد که دولت ژاپون اعلان نموده که ۳ فروند کروزر بی (۵۰۰۰) تن تازه باید ساخته شود

واقعات (بن) روز بروز سخت تر می شود بوجب خبر جدید اعراب چند بتابن قشون عثمانی را بن (حدیده و سنایا) شکست داده و جمیع توپها را تصرف کرده اند. وقایع نیکار دلی تلگراف از اسلامبول خبر داده که در جنگ (بن) شش بتابن قشون ترک بکلی نابود شده است

دولت عثمانی در کارخانه پارچه بافی (بید) یک میلیون ذرع پارچه حاکی رنگ برای قشون حکم داده که بعد از اختتام جنگ ژاپون و روس برای خرید پارچه حاکی رنگ بزرگترین فرمایش است

دولت انگلیس هر ساله ربع میلیون لیرا بحکومت استرالیایا برای تعمیر دسته جہازات خزانه داد سوم بار مسوده قانون اداره جنگ در مجلس ملی انگلستان قرائت شد

در (روم) امروز زلزله شدیدی محسوس و تا ده نایه دوام داشت - مردم از فرط خوف در شوارع گریخته - تصاویر و سایر اشیاء از دیوارهای عمارات نریخته کایسپای (سنت انیسا) هم منشق گردید

مخبر روتر از یکی خبر میدهد که دولت چین تحریک (سرجان جردین) را درباره تدارک علت قتل میرزا علی نام متبلور نموده (میرزا علی) در اداره بی ایش هند مستخدم بود - ۲۱ جون در (کاسو) بتل رسید - سفارتخانه دولت انگلیس را حرف این است که قاتل بی نفر از رعایای انگلیس را بدون قصاص ممکن نیست رها نماید

در حصه از عمارت مجلس ملی (تورینتو) حریق واقع - نقصان یک میلیون دالر تخمین شده است بوجب خبری که از (استوکهم) رسیده که کناره کئی عملیات ختم و مردم رفته رفته بخدمت خدمات ختم شده اند

وطن بطور مودت و اخوت در اینجا حاضر شده و با یکدیگر اظهار یگانگی و یکپارگی مینمایند، این نیست مگر آنکه بخوبی ملتفت میباشند که معنی مملکت و دولت و ملت و هموطنی و شریک در آب و خاک چیست. و وظایف آنها چه میباشد و دانسته اند که بچه قسم میتوان موجبات سعادت و ترقی دولت و ملت را فراهم نمود، بدیهی است که ترقی و سعادت هر دولت و ملتی منوط است به بشرفیت اساس مشروطیت و استحکام بنای آن و آن نیز منوط است بانحداد و همدستی و کمک عموم افراد ملت. چه تا وقتی که یکدیگر را برادر و هموطن و شریک در خیر و شر بدانیم ملتفت آن نخواهیم شد که هر ضرر و خسارت و نقصانیکه بیک نفر از افراد ملت وارد شود همان ضرر بمملکت و ملت ما متوجه خواهد بود و تا وقتی که ضرر بیک نفر را ضرر عموم و منفعت بیک نفر را منفعت ملک ندانیم و خسارت و ضرر بمملکت را خسارت وارده بر افراد خود فرض نکنیم هرگز در صدد رفع ضرر و جلوگیری از خسارت و در تهیه اسباب برای ازدیاد منافع مملکت بر نخواهیم آمد، بحمدالله تعالی که افراد ملت ملتفت تمام این نکات شده و دوستی یکدیگر را مهم ترین اسباب ترقی و سعادت و خلاف آنرا موجب خرابی و خسارت مملکت و انهدام واضحلال خود و مخائب انسانیت و مذهب و مدنیت میدانند

لذا این موقع میمون و این صفا و محبت مابین برادران وطنی را که آینه مصفا روتن را در مملکت نشان میدهد بایک عالم مسرت تبریک میگویم و از تمام برادران که در این مجلس شرف حضور دارند با امتنان قلبی تشکر نموده از درگاه خداوند متعال رفاهیت و آسایش و عزت و ترقی همه را خواهم در اینوقت با شرف خاطر تشکرات صمیمانه خود را از حسن اقدامات و کوششهای وائیه که انجمنهای ملی و برقراری مودت و یگانگی انبای وطن مرعی میفرمایند بعرض میرساند، خصوصاً این انجمن محترم وطن خوانان که مساک مخصوصشان همین است خدایشان یار و معین باد، پاینده باد انجمن وطن خواهان، زنده باد صدر انجمن، شب دوشنبه ۲۰ شعبان الحظ ۱۳۲۷

از بودجه دخل و خرج دولت آلمان در سنه ۱۹۰۸ ظاهر می شود که کمی بودجه ۶ میلیون ایرامی باشد (جاسر) سفارتخانه آلمان (شان تیاگو) را بحرم قتل دربان از تداوت خانه (جیلی) سرای اعدام داده شد

وقایع نکار (طمس) ار (میرنباد) مینویسد اعلیحضرت پادشاه انگلستان بطریق تیر رسی ما اعیان و اشراف (آسریا و مجارستان) گفتگو فرموده عقد اتحاد مستحکمتر شده است

اعلیحضرت پادشاه انگلستان ار (میرنباد) (لندن) معاودت فرمودند عقیده دوکتران (میرنباد) ایست که فعلاصحت و استقامت مراج پادشاه معظمله بدرجه هست که مردمان صحیح انزاج ده سال کوچکتر شان هستند

اعلیحضرت پادشاه انگلستان هیئت جوانان دو طلب را تبریک فرموده و اشاره نموده اند که وقت لزوم آنها نیزمثل سایر فدائیان دولت باید خدمت نمایند

تلگراف (عدن) صادر میدارد که (جنرل سراومورکرگ) در ساحل با سلطان (لاهیج) ملاقات نمود دوساعت مشغول گفتگو بودند

دسته اول جہازات (امریکا) منجمه دسته حات بحر (یسفیک) که مشتمل است از هشت کروزار زره پوش بسمت مشرق اقصی برای ۶ ماهه رهپار گردید

تلگرافی که از (ادیس ابیبا) می جنبش درباریس رسیده ظاهر میدارد که مسئله راه آهن (ایتروفن) امصال یافته است

بابعالی را اراده ایست که هفت میلیون لیرا عمان از قرار تزیل فیصد چهار استقراض کرده قرضه راه آهن (اورینتال) و قرصه سلطان معزول عبدالحمیدرا ادا نماید وامداد به آنها که در (عدن) خساره یافته اند به نماید و جا حالی عایدات را هم برکنند

روزنامه (زیبتگ) از وقایع نکار خود می نویسد که آینده دولت آلمان عذری از قرض دادن به دولت روس و چین ندارد مشروط بر اینکه حقوق حاصل شده امروزی دولت را بهم نزنند چه پلنیک آلمان در چین ایست که همه را باید راضی داشت اعم از اینکه روس باشد یا امریکا

در امریکا محض استقبال (برنور برنسون کونی)

ژاپونی تدارک شایان دیده شده تا اتحاد امریکا به ژاپون بخوبی ظاهر آید

در (پترسبرگ) مشهور است که بسبب بیماری (امپراطریس) ملاقات سلطان واعلیحضرت امپریول با (امپراطور روس) که در ماه سپتمبر مقرر بود موقوف گردید

اداره بحری روس علاوه بر چهار جہاز از قبیل (دریدنات) که درصدد تعمیر است - بسیاری از جہازات زره پوش دیگر را هم تدارک می نماید

روزنامه (استندرد) مینویسد که در مجلس اعیان انگلستان (لارد روروی) جنبه منغوری بودجه تحریک خواهد نمود

در - ان قشون (آسریا) در (مورواپه) قیصر آلمان مہبان امپراطور (آسریا) خواهند بود

وقایع نکار (دینی تلگراف) از اس-لامبول می نویسد که برای قائم نمودن سفارتخانه با دولت ژاپون محابره مآختمام رسیده

مخبر (رور) از (سیدنی) خبر میدهد که حقه تعمیر چهار (دریدنات) (۸۵۰۰۰) لیرا فراهم آمده است

مخبر روتنار (پکی) خبر میدهد که مخابرات بین دولتس چین و ژاپون اختتام پیوست و بر عهدنامه عنقریب دستخط خواهد شد. دولت ژاپون درباره حقوق پلیس راه آهن و درباره راه آهن (امتگ مکدن) انکار از مباحثه کرده است

عهدنامه چین و ژاپون در بیکن دستخط شد

مخبر روتنار از پکی خبر میدهد که حسب الامر پترسبرگ سیر روس مقیم پکن از دولت چین خواست خواهد نمود که در قرضه راه آهن (هنگو شیجون) باید دولت روس هم شرکت داشته باشد - دولت فرانسه تأیید دولت روس را خواهد نمود

بموجب تلگراف پکن در عهدنامه چین و ژاپون دریای (تومن) را دولت چین سرحد کوریه و منجوریا قرار داده است

دولت متحده اتازونی عهدنامه منجوریا را بنظر وقعت می نگردد، چه عقیده اش این است که بموجب این عهدنامه امتیاز نام راه آهن را دولت ژاپون حاصل نموده است

روزنامه مارننگ پست می نویسد که عهد نامه چین و ژاپون دفع شبهات و تکذرات بن دولین را خواهند نمود - دولت انگلیس در انعقاد این عهد نامه قلباً تبریک میگوید ولی دوام اتحاد دو تن مزبور منحصر است بر اینکه دولت ژاپون بر تکالیف و شاید دولت چین نظر و دولت چین در ترقی دادن دولت خود سعی نماید

خلاصه اخبارات ایران

از جمله اشخاصی که صریحاً حکم بجلاء رطقی آنها ما دام الحیات صادر گردیده، شاعراده کامران میرزا نایب السلطنه قدیم، عموی محمد علی وجدای شاه حالیه است و خروج این مرد که به متبذرات نازم ایرانیان بخشیده است چه اثر نشینات او زاید و صنف محل خوف بود که بشاه معصوم سرایت نماید دیگر امیر بهادر و سعدالدوله و مشیر السلطنه اند که محمد علی را باین روز سیاه نشاید و نه نفر دیگر هم غیر از اینها که در سفارتخانه روس و عثمانی پناهنده اند حکم به ترک ایران صادر شده و هنوز اسامی آنها با نرسیده

بطر بر اینکه دولت روس عهد و پیمان خود در حرکت دادن قشون خویش از ایران وفا نموده ایرانیان یکدفعه ترک استعمال امتعه و مراودات ما وی نموده اند و باینترک دادن فرمایشات بکار خابجات روسی گفته و آنچه نیز سابق بر این فرمایش داده بودند فسخ نمودند و چنان مستعد شده اند که تا وقتی دولت روس ترک تجاوز نگفته و قشون خویش را بطلب توجه نامتعه روس نخواهند نمود این واقعه تجار روس را بیش از پیش برهنگان نموده دولت روس هم مشوش شده و زیاده خوف اواز حکم تحریم مقام منبع ریاست روحانی اسلام است چه اثر این در تمام روسیه و ترکستان و قفقازیه هم خواهد رسید، آفرین برهت و غیرت ایرانیها هرگاه درین روش استقامت ورزند جمیع دولت متجاوزیه برای آینده هم پیش پای خود خواهند نشست و هیچگاه پیرامون اجحاف و زیادتی در ایران نخواهند کردید بموجب تلگرافات واسله تمام صوبجات ایران امن ولی هنوز مستبدین سعی اند بلکه کارها را بروفق تمام خویش نمایند سابق هرج و مرج نمایند بر قانون

تمام رفع گردید و شیراز هم امن است، اهالی منتظر اند که محمد علی از ایران خارج شود تا امنیت کس عمومیت و اطمینان نماید، چه عقیده شان این است تا محمد علی در ایران باشد بر حسب دلخواه امنیت نخواهد شد این بود که تصفیه مواجب و قروض او را زود نموده و چندان سخت گیری در ماده سائر متحصنین نمودند رجالی که سابق هم در ایران بر سر کار بوده رأیشان این است که تا از خارجه قرض نگیریم کارها سر و صورت پیدا نخواهد کرد ولی گرفتن قرض را از روس و انگلیس احدی در ایران راضی نیست

قیام قشون روس در ایران بجای اینکه مؤید امنیت شود مزید بر آتشش و ادلاب گردیده و بعید است ازین و بعد قیام روسهاش ازین مرید بر هرج و مرج گردد، حرکات روسها در شمال ضد حرکات انگلیسان در جنوب است تمام مبنی بر خود سری میباشد ایرانیان بواسطه دسته مختصر قشونیکه انگلیس در شیراز فرستاده خیلی مشوش و کم که دارد حسیات دوستانه شان سبب باسکیان کم می شود و همه را عقیده این است که اسکایسها در دوستی روس بدون ضرورت این دسته قشون را بشیراز فرستاده و ما کان می با ایم که دولت انگلیس از دوستی روس در ایران فیده حاصل نماید و اگر چندی دیگر بدین منوال بماند زیامات بیدار عاید بدوات انگلیس خواهد شد، و هیچ بید نیست که ترک استعمال امتعه تجارتی انگلیس را هم به نماید و کم کم دارند ایرانیان متوجه آلمان می شود و آلمان در دلخوشی آمان خیلی سعی است و اگر چندی بدین منوال بماند تجارت آلمان در ایران بر روس و انگلیس تفوق حاصل خواهد نمود

از جمله ممالیکه موضوع بحث ارباب نفوذ ایران میباشد این است که کارهای عمده را بخارجه بسپارند و مستشاران خارجی حاب نمایند بشرط اینکه غیر از روس و انگلیس باشد و هیچ کاری باین دو دولت بسپارند فقط انتظار ایرانیان درین است که دسبر هزار و نهصد و نه مسیحی که میناد کانتزات روس ختم می شود بگذرد، و سه ماه دیگر پیش باقی نیست، گویا مقصود ازین کانتزات اولوی است که

این است که روسها از خشونت و بی قانونی خیل خود را در ایران عقب انداختند و انگلیسها هم براعات دوستی با روس دارند خود را عقبی اندازند و رقیب خود آلمان را جلو میکنند و وقتی انگلیسها باد بزحشان خواهد خورد که کار از کار گذشته باشد دولت جدید ایران شش هزار قشون برای آذربایجان فرستاده و برای امنیت آنجا کانی است و مشتصد سوار زده دو طلب هم در معیت سرام الدوله فارس رفته هم قسم بسایر نقاط هم قشون فرستاده و ملت ایران علناً میگوید که اگر دولت روس قشون خود را عاجلاً طلب نکند ایرانیان بر حسب حکم دیابت جهاد دفاعیه را اعلام خواهند داد

تنگرف روتر راجع ایران

(۲۰ شعبان - ۱۶ سپتمبر)

دربارلمان انگلیس (مستردیلر) از وزیر خارجه سؤال نمود که برای حرکت قشون روس از ایران میتوانی تاریخی معین نماید

(سرادوردگری) جواب داد که دولت جدید ایران در انجام و صائب خود تا درجه پیشرفته ولی چون کارها بر پایه اطمینان بخش گذارده شده مشکل است از روی تحقیق سوام جوابی ازین سؤال بدم

حب اللمس

درست اگر در جواب سرادوردگری باریک شویم محسوس خواهد شد که شخص وزیر خارجه ازین جواب بی سر و پا محجوب و منفعل بوده و محض رها نمودن گریبان خود از چنگ وکلای پارلمان این بیان را کرده است چرا که دولت جدید ایران متها درجه بروز ایافت و قابلیت خود را درجهت قلیل به عالیان مدلل داشت و باین سرعت امنیت درین مملکت وسیع بر آشوب که سه سال کامل مانند دریا متلاطم بود و انقلاب طبیعت نابوی مملکت گردیده امری سهل و آسان نبود و حال آنکه هیچ گونه اسباب برای دولت جمع ه ، و همه قسم مانع داخلی و خارجی هم فراهم بود ، مع ذلك در پارلمان انگلیس آنهم وزیر خارجه انگلستان چنین بیان نمودن اصناف را شریک کردن است

باتفاق جمیع دامایان تا وقتی که یک نفر سرباز خارجه در ایران باشد امنیت بر پایه مستحکم و قراو

دوات انگلیس همه چیز را حاضر است فدای قوشون روس نماید، لذا ایرانیان امید نداشته باشند که روسها بتوت انگلیس قشون خود را از ایران بیرون برند یا دولت روس اصناف را شمار خود ساخته با اختیار وبدون اجبار لشکر خود را طلب نماید حکما میگویند تا وقتی علت معلوم نشود علاج ممکن نیست ، حالا باید دانست که بچه علت قشون روس وارد ایران شده علت بهانه و خیالات متجاوزانه است باتفاق دامایان و تصدیق نمایندگان خارجه هیچ گونه ضرورتی برای روس در سوق عسکر ایران پیش نیامده بود و حرکات سه ساله روس و نمایندگان او هم در ایران ثابت کرد که دولت مشارالها را نیت خیر نبوده حال که علت معلوم گردید باید در رفع آن کوشید و آن منحصر بجدید ایرانیان در ترك استعمال امتعه روس و مستعد شدن در جهاد دفاعیه بباره ساده علت دخول قشون روس در ایران همانا تج اور وضع و شریک کردن آزادی و پایمال نمودن حقوق استقلالیه ایران است و رفع آن نه بامنیت مملکت و حفظ رعایای خارجه و نه بتمکین و جپلوسی تواند شد و قیام قشون خارجه بالطبع مانع امنیت و داید آتش فتنه را دامن میزند درین صورت چگونه وزارت خارجه انگلیس میخواهد شالوده امنیت ایران اطمینان بخش شود ایرانیان راست که دامن هم بر گرزده ترك همه گونه امیدواری از خارجه بوده بایک همت مرده خط استقلال خویش کنند و این نکته را هم بدانند تا وقتی که همسایگان متجاوز حس حقوق شناسی و وطن پرستی در ما ملاحظه نه نمایند از خیالات متجاوزانه باز نخواهند آمد و وقتی قائل به بیداری ما خواهند گردید که ملاحظه نمایند ترك مرعوبیت گفته در راه استقلال وطن خویش بجابازی حاضریم ایرانیان باید بدانند که موقع برای آنها خیلی مقتضی است و بیک جنبش متحدانه بیورانه متجاوزین بمخالف خود را پیش پای خویش نتوانند نشاند ولی این حرصکت باید هم بحکم محکم مقام منیع ریاست روحانی باشد و هم قانونی و صراعات ترتیبات لازمه از پروتست و ترك استعمال امتعه و رجوع بحکیمت و خرمه و بقول بدانند که درین اقدام چون محمندان

(جبل المتین کنگہ)

مدیر کل کالج استریت نمبر ۴

HALLUL MATIN OFFICE
1, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

(کلبہ امور ادارہ با)

مدیر کل مؤید الاسلام است

(ہر دو شنبہ طبع)

المتین

(قیمت اشتراک)

(سالانہ -- شش ماہہ)

(ہند و برہمہ)

(۱۲ روپیہ -- ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران -- ۲۵ قران)

(عثمانی و مصر)

جناب مستطاب اجل اکرم افصح علی آقا میرزا عبدالحسین خان معزالسلطان فاتح رشت و گیلان دام اجلالہ



فرزند رشید ایران افتخار تاریخ ایرانیان ، شایستہ تمجید و تعریف ، صاحب ہم عالیہ ، سرباز حقیقی
رض ناصرالملہ و حامی المشروطیہ

یس از آئیکہ این راد مرد شیور را از مظالم بی پایان آقا بالا خان حاکم گیلان نسبت بہ ملت طاقت طاق
گردید در تہیہ قلع و قمع وی رہسار بقمازیہ و متحمل مشاق بی اندازہ و مصارف عظیمہ شدہ با تہیہ کافی و
لدارک وای وارد گیلان شدند و بامنتہای سہولت و کمال درایت و شجاعت بدون خونریزی ریاد شہر شہر
رشت را قبضہ و در چند ساعت چنان آرام و امنیت بخشیدند کہ عقول دانا یان ملت و متعجب ماند . و درین
مقام نمیتوان از خدمات ذی قیمت برادر والا گہرایشان آقا میرزا کریم خان صرف نظر نمود . این دو رادر
کہ دویازوی قوی حضرت سہدار اعظم بودند در ہر میدان وطن خواہی دوش بدوش قدم میزد
این راد مردان تیورحسن کفایت خود را بدرجہ در فتح گیلان و اتمام آن سامان مخرج دادند کہ
حافوق آن متصور نیست و از ساعت و زود بگیلان خصم را مہلت ندادہ خیمہ بیرون زدہ بطرف قزوین رہسار
گردیدند (چنانچہ در ہر منزل و ہر مقام تلگرافاتیکہ بانجس ایالتی و سہدار اعظم میزدند بہ ترتب درج در
جبل المتین شدہ) تا اینکہ بامنتہای شہامت و شجاعت فتح قزوین مائل آمدہ فتح قزوین همان و ارکان استبداد
یا متزعزع ساختن همان بود ، و از آن جدم تا فتح طہران ہمہ حا داد مردی و ہمت دادند . و اگر
تہ شود کہ علت عمدہ سعادت ایران این ذوات محترم بودند سخنی رنگزاف گفته نشدہ چہ اگر گیلان حرک
زدہ بود تبریز کہ رفتہ اصفہان ہم میرفت ، جہی دارد کہ ایران بوجود این گونه فرزندان رشید خویش فخر
ویدہ بگویند (زندہ باد معزالسلطان و میرزا کریم خان بلند کماندگان نام ایرانیان)

جنبش سیاسی در افغانستان

(لا تنق الا و قد نلت)

کلیه فوق از کلمات حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه و ضرب المثل مسلمانان و همه روزه شواهد صحت آن را نیز احساس می نمایم مثلاً پس از خلع عبدالعزیز سلطان مراکو و عبدالحمید سلطان عثمانی ما را یقین حاصل آمد که نالت این امین محمد علی پادشاه ایران خواهد بود و چنان هم شد

وقتی ایران مشروطه گردید و عثمانییم بدین فیض عطمی نائل آمد بنا بر این کلیه متینه منتظر بودیم که در سومین سلطنت اسلامی هم ندای مشروطیت بلند شود. حالا این آثار و علائم از افغانستان نمودار گردیده است

چند ماه قبل برخلاف اعلیحضرت امیر سازشی عمیق افشا شد و قبل از اجرای مقصود سازش سرور آفتابی و امیر هم حداً در رفع آن کوشید، میگویند درین سازش دست برخی رجال بزرگ هم داخل بوده حتی یک از حریمهای امیر مرحوم را هم نسبت بدین سازش دادند، و چنان شهرت یافت که آن جنبش مربوط بشخصی بوده و هیچ ربطی بحریت خواهی نوعی نداشته. نظر بر اینکه حکومت افغانستان هم خیلی سخت و هوشیارانه حیو بیری نمود ظاهراً آنها از آسیا اوفتاد

تا وقته فتح طهران و بروز عبرت ملی ایرانیان و خلع محمد علی گویند اهالی افغانستان گردید، چنان هیجان و جنبشی درخمت شجیع پیدا شد که مافوق آن به تصور نیاید، سه روز کامل در کابل گویا حش بود هیچگاه اهالی کابل برسپیل عموم باین درجه مشعوف و شادان دیده نشده بودند، بحث در مسائل سیاسی بازاری گردید و گفتگوی مشروطیت از خواص گذشته بموام بازاری سرایت کرد، جمعی از خواص ظاهراً باسم اظهار مسرت و درباطن برای بحث در امور سیاسی منعقد گردید، اعلیحضرت امیر واقف و حضرت سردار نصرالله خان را در آن مجمع گسیل داشت چون سردار معظم له در آن مجمن وارد شد ناچار سخنان انجمنیان باظهار مسرت از حسن طاقت ایران و تشکر از مقام منبع ریاست روحانی اسلام و سرداران و مجاهدین غیور ملی محدود گردید

سپس سردار نصرالله خان نطق منصل داده اظهار فرمود «بلاشبه بر هر مسلمان لازم است چنانکه در خوشبختی و سعادت - بر برادران اسلامی خود مسرور و مشعوف باشند. و من و اعلیحضرت امیر ازین خوشبختی و سعادت برادران ایرانی متنا درجه مسرت را داریم و از اظهارات همدودی و مسرتی که شما و عموم اهالی افغانستان درین وقته نموده و می نمایند تشکر میکنیم و خوشوقتیم از بروز چنین حسی در اهالی افغانستان، چه ما ایرانیان یک قوم و یک مذهب و دارای یک ادبیات و عادات و اخلاقییم، ما با ایران همسایه و همحاکم و با اهالی آن شریک یک آب و هواییم، سعادت و خوشبختی آنها سعادت و خوشبختی ما و ادمار و اضمحلانان عین ادمار و اضمحلال ما است. هر سعادت که بایران رخ نماید بواسطه قرب و جوار و هم آدابی و هم اخلاقی و هم مذهبی امروز نه فردا ما هم بآن سعادت نائل خواهیم شد، و همچنین هر گاه مضرتی بآنها عاید گردد دبر یا زود ابرش با ما هم خواهد رسید، ولی باید غور و فکر نمود که علت این سعادت و خوشبختی ایرانیان چه بوده، و این هیجان ملی و همدردیهای نوعی از کجا در آنها پیدا گردیده و کدام سائق قوی بجه آنها را سوق باین سعادت داد، بقتیده ما واقفیت بمواقف عصر که سرمشق دین مقدس اسلام و نتیجه تلمیحات جدید است که بررگان افغانستان هنوز منکر آن متذکران آن اند، از فتاوی و احکام و تلذکرافات و مراسلات مجتهدین و علمای بزرگ شیهه بخوبی معلوم می شود که آن هادیان طریق پی حقیقت امر برده و واقف امور را نیکتر دانسته اند، حالا اگر شما بزرگان هم در طریق تعلیم ملی بکوشید دیری نخواهد گذشت که خود را قابل چنین سعادت خواهید نمود و چقدر اعلیحضرت امیر و من خوشتر است خواهیم زدید که ملت افغانستان را دارای آن یسافت و قابل آن سعادت بینیم»

وکلائی مجلس ملی

(غور فرمایند)

نیرنگهائی که بعض رجال خود خواه و شاهزادگان بوالهوس در دوره اولیه بکار زدند نباید فراموش نمود، محمدعلی میرزا اگرچه (بواسطه بد تربیتی) طبعاً مخالف با مشروطیت بود ولی برخی از شاهزادگان

یکی مغلوب، و این گونه اختلافات بین اهالی ممالک غیرتمدن و نیم وحشی هماره برقرار بوده است، ولی نفع و زیان از بین خودشان خارج نمی شد بد بختانه امروز اوضاع ایران دگرگون و قشون همسایکان در داخله ایران موجود و منتظر بهانه هستند بلکه بتوانند بقیام خود امتداد دهند و راه بهانه شان منحصر در انداختن نفاق بین اهالی و مزید امتشاش فراهم کردن است

ازین رو میتوان تصدیق نمود که امروزه زیان اختلاف و نفاق بین افراد ایران محدود نتواند ماند و علت اختلاف هم که در حقیقت امر غلبه بر خصم و جلب منافع شخصی است برای هیچ یک حاصل نتواند گردید، امروزه اختلاف در آحاد ملت ملیه بدشمنان خارجی دادن و زیان متخالفین را دعوت میکند امروز نفاق مزیل استقلال ایران است

امروز مناقشات جاهلانه دین مقدس اسلام را مضمحل میدارد

امروز اختلاف بین ایرانیان شرف ملی آنها را برباد میدهد

امروز خانه جنکی آحاد ملت قشون خارجه را بقیام ابدی دعوت میکند

امروز خصومت های جاهلانه عرض و ناموس نوع ایرانی را دچار مخاطرات عظیمه می سازد

این را هم باید دانست که هیچوقت دوای نفاق و اختلاف مانند امروزه برای ایرانیان مهیا نبوده چه همسایکان و همسایه پرستان برای جلب منافع خود بانواع مختلفه سعی اند که نائره نفاق را در ملت دامن زنند، چنانچه امروزه در شیراز بلکه در تمام فارس و جنوب علناً دیده می شود که همسایکان آتش نفاق را چه طور دارند شعله ور میسازند، چه قسم مارا احق ساخته دوتیره کی در میان مان انداخته بعضی طرفدار یک تیره و برخی حامی تیره دیگر واقع شده ایم، عجیباً این چه وضع دلخراش و این چه جنگ خنمان سوز است و این چه غنلت و نادان است که مارا احاطه کرده!

همین واقعات ناگوار جنوب زبان روس را بنیر حق بر ما دراز کرده و قیام قشون روس در شمال حق بانگلیس میدهد که مانند او قشون

بواموس هم بخیالات خام دور و دراز که مقصود اصلیشان نایب السلطنه کی باسم و عاقبت شاهی بود بیشتر این جوان لجاج را بر عناد مشروطیت و دانش، پوهائیکه خرج کرده و انتشاشاتی که از هر جهت انداخته جای اغراض و برده پوشی نمانده و هیچ برهان عقلانی نداریم که بگویم دوباره آن گونه اشخاص پیدا نشده و مجدد آن واقعات ناگوار در ایران بش نتواند آمد، لذا (بلحاظ علاج واقعه قبل از وقوع) باید از پیش آمد این گونه واقعات جلوگیری شود، تا آن گونه شاعران آسوده شده بخیالات بواوساه بتکاپو نیوفتاده اموال خود را به مفت صرف نه نمایند

بعقیده یک از سرصفان سیاست ایران سد این باب در کمال سهولت و منحصر در آن است که در اولین نشست مجلس قانونی وضع شود که شاعران طبقه اول چنانچه از وزارت محروم اند از نایب السلطنه کی و سپهسالار محروم باشند، پس از آنیکه این امر قانونی شد شاعران بزرگ راحت شده از هرگونه تشبث باز خواهند آمد

هرگاه دائره قانون نایب السلطنه کی و سپهسالاری را قدری وسعت داده شرایط مناسب و مقتضی و یا خصوصیات مناسبتی را برای شخص نایب السلطنه و سپهسالار معین نمایند از خطرات متصوره بسیار بزرگ ایران را مصون تواند داشت، هرگاه اندک تاریخ را بدقت ملاحظه نمایم بلزوم وضع چنین قانون زود تر قائل خواهیم گردید

وضع چنین قانون علاوه بر منافع دیگر سازش های خارجی را نیز با این شاعران بزرگ قطع تواند نمود، هنوز موقع آن نرسیده که شرح سازش های متکونی خارجه با آن گونه شاعران و رجال بزرگ آفتابی شود، و تصور هیچ زیان و مخالفت هم در وضع چنین قانون از هیچکس نمیرود

امروز ایران بیش از همه چیز محتاج بانحاد است اگرچه درین موضوع خیلی نوشته ایم و هر قدر هم بنویسیم کم است ولی درین مقاله یک پهلوی شخصی منظور داریم و آن این است که سابق بر اینها هرگاه ملت ایران با یکدیگر نفاق میورزیدند و یا مخالفات شخصی بخرج میدادند بین خودشان محدود

چقدر در شمال آتش فتنه را دامن زده تا بهانه برای دخول قشون خود حاصل کردند، همان اوضاع شمال امروز در جنوب است، و اگر جفاً و سربماً ایرانیان بخوبی نیامده ترك ففاق و اختلاف نگویند همان حتی که روس قشون در شمال وارد کرد انگلیس در جنوب وارد خواهد کرد، و در آن صورت بهانه برای هر دو موجود و یکی مر دیگر را تأیید خواهد نمود و این همان نقشه است که در معاهده خود کشیده اند، در آن صورت ایران تقسیم و قومیت ایرانیان تجزیه، اسلام برباد، و عرض و ناموس مسلمانان بدست سواران هندی و سالدات روسی خواهد افتاد، عجباً که از جهات کار را باین نقطه مازک رسانیده و اقدامات مضرة همسایگان را حساً مشاهده نموده هنوز بخود نمی آیم

امروز بگانه نجات بخش ایران اتحاد ملی و ترك ففاق اهالی است اگر ایرانیان متحد و متفق شده و ترك ففاق و اختلاف گویند روس و انگلیس تا آنها کاری نتوانند نمود و تمام فتنه کشها و ونگریزیهای همسایگان عاقل و باطل تواند ماند

این را هم باید دانست که امروزه پیش از جمیع ذبقات باید رجال دولت باهم متفق باشند چه اگر مانند ادوار سابقه رجال دربار و وزرای دولت با یکدیگر ففاق و اختلاف پیشه نمایند دشمنان داخلی و خارجی زودتر بقاصد خویش نائل شوند گردید پس از همه اتحاد سرداران ملی و مجاهدین بیپور بختیاری و گیلانی و غیره است، و این را هم باید دانست که دستهای پلنگی با منتهای قوت دارد کار میکند بلکه بیک وسیله ناراضی و اختلاف بین رؤسا و سرداران و مجاهدین بیندازند، و تشبثات پلنگی در انداختن اختلاف بسیار است که رساهم گرفت نتوان کرد و اثر خود را هم به بخشد، من جمله ریشخند زبانی و تکذیب یکی در جرائد و تمجید دیگری که بآن وسیله مردم عوام دور و نزدیک را بیکی راضی و از دیگری متفر نمودن است

مثلاً وقایع نکار طمن نندن در اخبار مذکور می بود که کم کم دارد از نفوذ و رسوخ سپه دار اعظم میکاهد و اعضای (درکتری) از مسلك ایشان مسرور نیستند و مشرب ایشان را بیشتر مائل باستبداد ملاحظه می نمایند، ظاهراًست که اینگونه نکارشات تا

چه اندازه اثرات در قلوب دور و نزدیک می اندازد جریده دیگر مینویسد که سردار اسعد از وقتی که بوزارت داخله نائل گردیده سعی است که مأموریت های عمده را به رؤسای بختیاری بدهد و ازین جهت بن بختیاریان و مجاهدین گیلان وقتقازی اتحاد و اتفاق دیده نمی شود و حال آنکه این سخنان کذب محض و بهتان عظیم است،

رسوخ و نفوذ سپه دار اعظم همه روزه در تزیاید و از روزیکه بر حایه مشروطه قیام فرموده قدمی برای شخصی برداشته و سخنی هم برخلاف رأی عامه نگفته است و اعضای درکتری هم غایت تشکر را از ایشان دارند. اما سردار اسعد تاکنون هیچگونه مأموریت عمده بر رؤسای محترم بختیاری نداده و اگر هم داده شده بهتر از آن منظور نبوده مانند فرمانفرمانی حضرت اشرف مصمص السلطنه در اصفهان، و هر مأموریت هم که در دولت جدید تا امروز داده شده مبنی بر اکثر آراء مجلس عالی بوده نهایت جفا از تعیین دستور العمل وزارت داخله باو داده است، همین قسم است افترائی که بدم اتحاد بختیاریان و گیلانیان و غیره زده شده و حال آنکه از بدو ورود بطهران تاکنون در خدمات وطنیه مانند یک روح در دو قالب بوده و ذره مناقشه و نفرت و ناراضی از آنها بروز نه نموده، و ما بالاترین دلیل تمدن و بلققی که برای ایرانیان میتوانیم با کمال افتخار بیان نمایم این است که بمحمد الله از آغاز طلوع شمس مشروطیت تاکنون بن مشروطیت حقیقی و سرداران ملی ذره ناراضی و کدورت پیش نیامده است بی این سخنان یکی از تشبثات خارجه است در انداختن ففاق بین ملت بلکه سرداران بزرگ ملی و صد گونه تشبثات دیگر هم دارند، این است که میگوییم امروز رجال دولت و وزرای عظام و سرداران ملی و علما و سایر طبقات بیشتر باید اتحاد و اتفاق بین خود بر طلبان ظاهر دارند تا ارباب پلنگ و سیاست که سعی در انداختن ففاق بین اهالی این مملکت اند مأیوس گردند و اگر خدای بخواید اندک شفقت شود و ذره ففاق و نفار بین سرداران ملی و وزرای عظام و با بین قوه مجریه و مقننه پیش آید باید برای همه گونه بدبختی و زوال ابدی مستعد و آماده شویم

▶ ایران کشته سهل القبولی و ساده لوحی است
 هر آن که ایرانیان تصادف با يك سعادت نموده
 شیدان فلاح و رندان طرار بیان شیدای و طراری
 آنها را از آن سعادت منحرف ساخته به ضلالتشان
 دعوت می نمایند

ما کار بسوابق ایام نداریم، آیا میتوان فراموش
 نمود تصادفی را که ایرانیان در زمان مرحوم
 آیت الله میرزای شیرازی قدس سره در مسئله رژی
 با سعادت نمودند؛ در آن موقع هرگاه اندک پای فشرده بود
 میتوانستند سلب برخی اختیارات مضره را از شخص
 سلطنت نموده تا از آن بعد مورت آنها خرابیها
 میکردید. چه در حقیقت قیام ملت در احقاق حقوق
 ملیه آغازش از آن عهد شد، متأسفانه همین که آن
 جزئی مطلبشان برآمد چشم از حسن موقع پوشیده
 ترك جمیع حقوق گفتند

در ابتدای سلطنت مظفرالدین شاه بواسطه
 صدارت مرحوم میرزا علیخان امین الدوله که يك
 از رجال با سیاست عالم حریت خواه وطن دوست
 بود ملت تصادف با يك سعادت فوق التصوری نمود،
 بدبختانه شیدان باز ملت را منحرف ساخته و بان
 بدبختیهای امین السلطانی و تروض بی در پی خانه
 بر انداز مبتلا ساختند

تا اینکه بمحمدالله ملت در اواخر مظفرالدین شاه
 بان مظفریت عمده نائل آمد، باز طراران بنسای
 منحرف ساختن ملت را گذارده مکرشان به گراهی
 وصلات کشانیدند، ولی ایندفعه از تائیدات خداوندی
 در هر اعوجاج و انحراف ملت چشم از آن نقطه
 سعادت نه پوشید تا در وقته توبخانه به بهترین سعادت
 تصادف آمد، متأسفانه آن را هم از دست داد و بان
 زحمت و خسارات مالی و جانی دو چار گردید و
 نزدیک بود به فرسنگها از نقطه سعادت که استقلال ملی
 است دور افتند ولی باز از توجرات امام زمان (عج)
 و تائیدات نواب آن بزرگوار به نقطه مقصود رسیدند
 بهترین تصادف به سعادت این بود که از حرکت
 مقام منبع ریاست روحانی اسلام هیجان عظیم و انقلاب
 بزرگ در تمام مسلمانان عالم نمودار گردید و میتوان
 گفت چنین اتفاق و هیجان از بدو اسلام تا کنون
 در مسلمانان عالم پیش نیامده بود، ولوله در ارکان عالم

انداخت، متجاوزین بحقوق ایران يك دفعه حساب
 کار خود را نموده بدست و پا افتاده برای واسطه
 تراشی را نهادند، هزار افسوس که این نرف
 تاریخی که روحی تازه در اسلامیان می دمید تکمیل
 نیات و باقوال مدعیان دروغ زن اعتماد نمودیم
 برای این هم انحراف از نقطه سعادت جز ساده
 لوحی و سهل القبولی هیچ محلی نمیتوان ساخت، این
 است که میگوایم ایران بلکه اسلام کشته سهل القبولی
 و ساده لوحی است

▶ شاورده پلتیک بدروغ و تذبذب است ▶

عجبا بچه اطمینان باقوال دیپلماتی که شاورده اش
 بدروغ، و سخنان منذب دو معنی گذارده شده اعتماد
 توان کرد، بدون رودرواستی میگوایم رجال سیاسی
 ما، وزرای ما درایت ما، وکلای ما شهادت ما،
 امروز در مدرسه سیاست نسبت بسایر ملل و دول
 طفل ابجد خوان هم بشمار نیستند و در قطع شطرنجی
 سیاست قابل ایکه يك حرکت ساده سیاسی ظاهری
 احباب را همند نمیشاند تا چه رسد محرکات پیچ در
 پیچ شان

امروز ما راست همیشه تصادف بيك سعادت نمودیم
 تا به نقطه آخر آن نسیم و دور خود را حصارى
 ورین کشیم باز نه ایستیم و اطمینان نه نمایم، رموز
 دانان سیاست دارند در هر قدم ما را فریب میدهند،
 امروز دستهای همسایگان دارد بلباس دوستی و
 خیرخواهی بس ما کار میکنند، امروز همسایگان
 دارند بسغان تو حالی دل ما را خوش و کار خود را
 از پیش میبرد

درست باید تأمل کرد از آن هیجان عمومی
 در جهاد دفاعیه و از آن غیرت مندی گیلایمان و
 تبریزیان در ترك استعمال اتمه روس چه نتیجه
 عملی حاصل نمودیم که فوری سرد شدیم حز اینکه
 زبانی ما گفتند بزودی قشون خود را خارج میبایم،
 بی واسطه هم از خارج و داخل را انگیخته تا سخنان
 دیپلماتی آنها را تائید نماید و برخی تفریحات
 احق فریاده هم با دادند که اگر ما را عرض بود
 در امور داخلی شما با وجود قدرت دخالت
 میکردیم

حالا از روی انصاف در این سخنان دیپلماتی
 باید غور نمود، کی همسایگان گفته بودند ما قوت

خود را از ایران بیرون نمی بریم؟ در چه مقام اظهار داشته بودند ما میخواهیم دخالت در امور ایران نمایم؟ آیا در هیچ اخبار در هیچ بیانات رساله در هیچ ابلاغت رسمی روس و انگلیس اظهار شده بود که ما قشون خود را از منچوریا و مصر خارج نخواهیم کرد؟ انگلیسها تا امروزه میگویند قشون ما در مصر موقتی است، هرگز نگفتند که ما برای تسخیر مصر و منچوریا آمده ایم

یا للجب مگر دخالت شاخ و دم دارد، بالا ترین مداخلتها دخالت مسلحه است که دارند در ایران می نمایند، باید روش این دو همسایه را در مصر و منچوریا دیده و عبرت گرفت، دخالتهای پلنگی تدبیری است تفکر باید کرد و بخود باید آمد

درست دقت شود اگر همسایگان را اغراض دگرگون نبود تا این درجه باقتضای وقت تبدیل نمیشد، بدو آنگونه که محافظه اتباع خارجه و حفظ قونسلات بر ما لازم است و حال آنکه این سخن بیدلیل محض و شواهد کذب بر عالمیان روشن بود، چه درین اقلاب بزرگ تاریخی اتباع خارجه همه قسم در امن و امان بوده و شاید اگر ایرانیان درین موضوع خاص دعوی افراد نمایند کسی نتواند تکذیب کند، سپس طبعه را گردانده که ما باید طارق و منافع تجارتی خود مان را محفوظ داریم، بعد گفتند همین که امنیت قائم شد و حکام برکنار رسیدند قشون خود را عودت میدهیم، اینک که جمیع الزامات آنها سرتفع گردیده میگویند هنوز اطمینان بامنیت ایران نداریم، و این نکته بخوبی از جوابیکه سر ادورد گری در پارلمان انگلستان ده روز قبل داده ظاهر می شود که درین قلیل زمان چه قدر این دایکان مهربان تر از مادر داجه خود را تبدیل داده اند

ظاهر است دو مملکتی وسیع با این انقلاب عظیم تاریخی با وجود یک عده زیادی از قشون خارجه هر آن مستعد یک انقلاب بزرگ و مریای تغییرات عظیم است، آنوقت همسایگان را دایره بهانه جوئی پلنگی وسعت خواهد یافت و کم کم از ساده لوحی ما منتفع شده به قانون بین الدول حقوقی برای خود خواهند تراشید و کار را بر ما خیل دشوار تر خواهند کرد

برده باید از کار برداشته فریبید روس و انگلیس از ایران چه میخواهند؟ اول باید رجوع بتساریخ نمود و دانست که درین قرن اخیر صدعاتیکه بایران وارد آمده از کجا بوده یکی قفقاز و داغستان و ترکستان مارا برد، دیگری از بلوچستان، افغانستان، عمانات، حقوق شاهنشاهی ما را زائل ساخت، همه روزه یکی از شمال و دیگری از جنوب پیش آمده ما را بحال امروزه انداختند، حالا ما صرف نظر از سوابق امور نموده و چشم پوشی از آن میکنیم که آن صدعاتی که بایران وارد آمده بزبان تاریخ ازین دو همسایه بوده و هر خوق هم که در آینده برود ازین دو همسایه خواهد رفت،

بیا ایم اندک غور نمایم و به بینیم که آیا ترقی و استقلال ما مثید بحال این دو همسایه است یا مضر؟ در بادی نظر خواهیم دید که بنا بر مقتضیات امروزه دو تین ترقیات ایران را منافی با منافع خویش می بیند، چنانچه روسها علنی میگویند و بعضی جرائد انگلیسی هم می نویسند، که آزادی و ترقی ایران سرایت بهند و قفقاز و ترکستان خواهد نمود، طبیعی است که این دو دولت هرگز قطع مارا که بقبیده ایشان مضر بحال خودشان ان تواند شد از روی سیاست خواهان نتوانند گردید، ولی بواسطه موانع پلنگی یا نزاکت بین الدولی علناً نمیتوانند بگویند شا چرا بهوش آمده اید؟ این است که با اسباب ای مختلف درین دو ساله ما را از جاده ترقی باز داشته و همه روزه بردخالت و نفوذ خویش می افزایند، اینکه بعضی انگلیسها به برخی سخنان توخالی خود را حامی ایران جلوه می دهند مبنی بر پلنگ و عوام فریبی است نهایت این است که روسها نظر بختونت طبع و درشتی اخلاقی که دارند در هر کار بسختی پیش می آیند و انگلیسها ببلایمت، اینها با پنه سری برند آنها با ساطور، ولی نتیجه هر دو برای ایران یکی است امروزه مسلک پلنگ روس و انگلیس در ایران یکانه و از بدو انقلاب تاکنون انگلیسها در هر کار با روس متحد بوده بلکه بقبیده جمعی روس را سنگ رویج اغراض خود نموده است، بیانات خوش انضای پارلمان و نکارشات برخی جرائد انگلیسی ما را بشبه نیاندازد، ملت انگلیس بدون شبه چون خود حریت دارند حریت خواهیم مستند ولی همان حریت

خواهانشان هم منافع پلنیک خورش را از دست نیندهند ، مسئله قبضه مصر را هنوز هم جوی در انگلستان مخالف اند ، آبرای مصریان چه فائده بخشید جز اطمینان غفلت زای ملک بر باد کن ، لاردر گلاستون هر طرف فریاد میزد انگلیس باید مصر را رها نماید ، نتیجه چه شد : باید مسلک دولت را دید ~~که~~ بهر جانب میل نمود عاقبت پارلمان هم بهمان طرف رجحان پیدا خواهد کرد ، همین ملت حریت خواه انگلیس بوده و هستند که در مسئله ترنسوال هم خیلی اظهار مخالفت با دولت نمودند - نتیجه ترانسوال لازم به بیان نیست

يك از حکمت‌های عملی انگلیس این است که بهر مسئله دولت توجه نماید هیتی از ملت برخلاف آن قیام میکند ، ولی باندازه که در کثرت آراء آن هیئت مخالف مغلوب گردد ، و این هم بواسطه غفلت و اطمینان مدمقابل است ، افسوس که ما ناآشنایان سیاست بکنه امر واقف نشده همین که بکنز انگلیس و یا يك از اعضای پارلمان و یا يك جریده انگلیسی سخنی در حایه ما کنت چنان می بنداریم که ملت و دولت انگلیس توأم طرفدار ما شده و این دال است بر کمال خرافت و نافی می ما

ما با دهانی به پنهانی جهان و صدائی عالم برکن میگوئیم ، که روس و انگلیس در کردار و حرکات خود در ایران متحد و متفق اند ، آنچه روس میکند به تجویز و پشت گری انگلیس میباشد ، واضح تر امروز روس در ایران نه چندان مائل باین حرکات و نه جرئت باین اقدامات را داشت ، انگلیس است که او را بحرکت آورده و يك قوه الکتریسی بخشیده که ازین سر تا آن سر ایران به ترسکاندیش و داشته است ، دانایان چنان می بندارند که جمیع واقعات ایران بوشک دوان انگلیس شده و هنوز هم دارد می شود ، چرا ؛ برای اینکه رسوخ آلمان را در ایران جلوگیری ، حق درین مقصود بنده ایران هم حاضر است ، هر گاه وزیری از ایرانیان غیر ازین بگوید باید گنت نمی فهمد ، و کیلی بگوید درک نکرده ، دولت انگلیس بعضی از مردمان خوش ظاهر بد عقیدت را طرف دار خود ساخته اهالی ایران را از هر طبقه حتی حضرات آیات الله را بشبه انداخته است ، ما با آن اطلاعات وسیع و آن حق

گوئی که داریم بی برده میگوئیم که عمده قطعه آسیا بین روس و انگلیس منقسم شده و بیداری هر نقطه از آن مضر بحال این دو دولت است ، انگلیس را بیشتر و روس را کمتر ، و در موضوع ایران مرده روس را متحرک ساخت مگر قوه الظهر انگلیس و هر کس مسلک انگلیس را امروزه مخالف باروس داند ، یا کله که فهم غامضات سیاسی را بفهمد ندارد و یا دست پرورده دیگران و از وطن فروشان است ، ایران وقت با سایش تواند زیست که سخت از تشببات سیاسی انگلیس جلوگیری شود ، آنوقت روس بیک پشت دستی که بخورد می رود آنجا که عربنی می اندازد آیا جوابهای ~~که~~ سرادوردگری در پارلمان در

اجحافات روس میدهد کاشف ازین معنی نیست ، آیا انگلیس در تبریز و قزوین و خراسان تجویز نه نمود که روس قشون بفرستد ؛ آیا حرکت خنکی که بدون ضرورت در فرستادن نجاه فر سر باز هندی بشیرار بود برای قوت روس نبود ، جوابیکه هفته گذشته در پارلمان سرادوردگری داده چه چیز مترشح است ؟

ما از پرورش یافته گان انگلیس که آله پیش رفت اغراض او در ایران سؤال می نمایم - که هواداری احرار انگلیس و هیاهوهای پارلمانی و جرائد تا کسوں چه قطع بایران رسانیده ؟ کدام حلو گیری از اقدامات روس کرده ، چه تغییری در مسلک پلنیک انگلیس داده است ؟ هر گاه گفته شود که اگر انگلیسار نمودند روسها پیش ازین تجاوز می کردند غلط محض و محض غلط است ، بعقیده ما صاحب چنین سخن چنم پلنیک شناس ندارد و یا اغراض چنم های او را کور ساخته ، عمده مانع تجاوزات روس از صریق پلنیک عثمانی و آلمان و از راه اقتصاد جمیع دول مرابط ایران بود ، واضح تر بگوئیم اگر انگلیس قوت الظهر روس نبود همان میدان اول در مقابل عثمانی که روسها سپر انداختند دیگر جرئت باین اجحافات نمی کردند ، اوضاع درونی و بیرونی روس بر احدی پوشیده نیست روس جسم بیروح و قالب تی است انگلیس ها محض پیش بردن مقاصد خود الولوی ایرانیان ساخته اند ، روس امروزه طاقت جنگ و زد و خورد با هیچ دولت ندارد ، این همه کورفری که در مقابل ما

میکنند از آن دست پس برده میباشد که او را برقص در آورده

روس و انگلیس از ایران چه میخواهند
اتحاد روس و انگلیس فریاد میزند که کوشانند يك قرضه توام بحلق ایران بریزند ، مساعیشان از زمان مظفراالدین شاه و قبل از مشروطیت و بعد از آن بدین مقصود تصریح مینماید ، ملاقات (ریوال) و اهدام مجلس مقدس بتوب افسران روسی و هزار قدامت دیگر این نکته را با توضیح میدهد برای عراض انگلیسان هیچ زبونی بالاتر ازین نیست که با تاین مسلك و تبعاعد بلبتیک ملتجانه دست اتحاد بسوی روس دراز کرده و عهدهنامه را که از روی سیاست سرتابا زیناودرماره ایران است باروس بست ، بدین عرض که در وسط آسیا در مقابل آلمان بتواند ایستاد ایرانیان بدانند که اگر دو تن دست یکی نشده بودند ، هرگز این واقعات در ایران پیش نمی آمد و اگر زبیده بر این امکان داشتند نیگذارند باین درجه ایرانیان پشرفت مایند ، و اگر عایتی دیگر پیش می آوردند رنگ پلتیکی سحر تر بروی کار می آمد که ریئت برای آنها پیش بود ، و بن مشه نزد رموز دمان سیاست پوشیده بست ، هرگز وزری نزاکت شناس ما و وکلای خشونت مرج ما نهمند ربطی بحقیقت واقع ندارد

حالا باید دانست که روس و انگلیس از ایران چه میخواهند و چرا ما را بقتارگذارده دست از گریبان ما برنمیدارند ؛ هیچ شبهه نیست که پس از مابوسی از انتقال ملت مسلك روس و انگلیس در ایران تغییر نموده فقط حالا آنچه را از ایران میخواهند این است که با قوه مسلحتم وجوده بلكه يك قرضی توام بحلق ایران بریزند ، و بذریعه همین قرض دست و پای ایران را بسته کبیه رشته های سعادت ایران و حیات و عمت استقلال آن مملکت را بکف خویش گیرند و تا بتوانند ایران را از رابطه بدول دیگر و امتیاز دادن بدیگران واستخدام ازدیگران بازدارند ، بصباره ساده تر میخواهند بضرب دکنک و قوای مسلحه موجوده بیکقرضه مختصر مواد عهدنامه خود را بایرانیان بیولانند و در معنی ایران را تجزیه نمایند ، و برای همیشه استقلال ایران را محو سازند ،

انگلیسها امروز رقابتی باروس ندارند و ابد از روس هم خونی نمی نمایند مایه خوف انگلیس از روس

در حله بهند بود قطعا آن خوفه برای يك قرن مرتفع گردید و آن رقابتهم برداشته شد ، خوف انگلیس از آلمان و امروزه رقابت سیاسی و تجارتی آنها منحصر بآلمان است ، انگلیس برای جلوگیری آلمان راضی است تمام شمالی و نقطه مرکزی ایران را بروس بدهد چنانچه از روی معاهده داده و هروقت گفتگو شده وزارت خارجه اظهار داشته که روسها از نقطه فوذ خود تجاوز نکرده و هروقت تجاوز کردند جلوگیری خواهند یافت ، و مکرر هیئت رسمیه انگلستان اظهار داشته اند که همین حقوق را که روس در ایران داراست ما هم در نقطه فوذ خود دارا میباشیم ، و اگر امروزها از روس جلوگیری نمایم بموقع خود آنها هم از ما جلو خواهند گرفت ، سخنان تنک مغزان و سیاسی نا شناسان و کله هائ که (ابد ملاحیت آنکه در امور ملک و ملت دخالت کنند ندارند) بشنوید و باور نکنید که انگلیس نوع خواه و حریت برور و مؤید آزادی ایرانند ، تراوش این سخنان یا از کله های منجمد است یا کسانیکه آله پشرفت اعراض انگلیسانند و یا بخبال حقاقت خود مراعات نزاکت بین المللی نموده ملت را بظفلت می اندازند اگر این سخنان را راستی بودی این هیجان عظیم و نملغله عالم گیر درهنگد و متمر پیش می آمدی و دعوات اهالی آیرند بر آورده می شدی ، ایرانیها باید بدانند که انگلیس در ایران تابع منافع خویش اند ، هرگاه حریت ایران برای آنها سودمند شود حی حریت اند و اگر مضر بتنافع آنان باشد قطعاً دشمن حریت ما خواهند شد ، این نکته را هم باید دانست که علاوه بر دو تیرکی که مسلك پلتیکی انگلیس در هر موضوع است معاهده روس را من باب ایران عمده رجال سیاسی انگلستان نمی پسندند ، و سعی در برهمزدن آنها و بیشتر این دیاهوها مبنی بر همین نکته است ،

ایرانیان نباید اعتماد به همایکان کنند
اما تکلیف ما ایرانیان از هر طبقه بدون استثنا این است که بسخنان دیپلماتی همایکان خود اعتماد نه نموده و جدآ پای فشرده قشون اجانب را از وطن عزیز خود خارج نمایم ، بدون اینکه زیر بار استقراض آنها برویم ، ورنه ظامر است که نشر امروزی آنها بر ما جز برای قبولاندن يك استقراض توام علت دیگر ندارد و اگر امروز با شرایطی که آنها طالبند استقراض شده فدا نموده خود را خرد

خواهند کرد. بیشتر خوف انگلیس و روس از اینست که مبادا بعد از اقباضی دسبر ۱۹۰۹ که سه ماه پیش نسبت ایرانیان در عوض روس برخی امتیازات به دول دیگر خاصه آلمان بدهند - اینست که متها سی را دارند که بهر قسم و هرگونه فشار که میسر شود ایرانیان را از آن خیالات باز دارند و اگر زیربار نرفتد بهر ماه که میسر شود امتداد در قیام قشون خویش بدهند.

وظیفه ایرانیان چیست

ایرانیان راست که موقع نازک خود و خیالات همسایگانرا بخوبی شناخته در حفظ حقوق استقلالی خویش پای بیفشینند، و پای فشردن درین امر باید منوط به این ترتیبات باشد

(۱) بدون درنگ مجلس مقدس ملی افتتاح شود چه بدون افتتاح مجلس عمده اقدامات بی نتیجه و بی اثر می ماند

(۲) پروتسهای مدللانه و محقانه ملی در اقدامات محفانه همسایگان و طاهر داشتن عدم ضرورت قیام قشون اجنبی و خلف عهد آنها

(۳) بدست آوردن تصدیق نامه از نمایندگان دول در هر نقطه در امنیت و حسن انتظام و عدم خوف مال و جان رعایای خارجه، چه قانوناً این گونه تصدیق نامه ها در مواقع خود خاصه در موقع حکمیت بیش از آنچه به تصور آید مفید تواند بود

(۴) اعتراض ملت بدولت و سختگیری دولت رسانه همسایگان دو حرکت دادن قشون خود و در صورت عدم قبول پروتست و رجوع رسمی بدول سائره

(۵) ترك استعمال امتعه دول متجاوز و ایستادگی درین موضوع تا وقتی که کاملاً مقصود بعمل آید نه اینکه بیک وعده عرقوبی و بیک اظهارات تو خالی همسایگان از تعقیب باز مانند، نه مثل دو ماه قبل که خوب برگردند و بد خالی، هرگز اقوال روس را در ماده انگلیس و سخنان انگلیس را درباره روس نه پذیرند که این دو دولت در موضوع ایران متحد ارأی و العقیده هستند و حرکت و سخنانشان برای قوت یکدیگر است، و بدانند که پلنیک شاوره اش بر دروغ، و پیشرفت مقاصد پلنیک هم جز بدروغ ممکن نیست، ملت ایران اقللاً باید ملتفت باشند که هرگز آن دو ترك استعمال امتعه ملکه دولت

متجاوز چه سلك اختیار کرده و چه گونه از پیش برده و تا کی استقامت ورزیده اند، چینیها که ترك استعمال امتعه امریکا را کردند تا وقتی که مقصود خود نرسیده دست از کار کشیدند؟ عثمانیها که در مقابل آستریا این اقدام را کردند تا وقتی که مقصود المرام نشده آرام شدند؟ یا نباید بکاری اقدام نمود و اگر شد باید تا آخر ایستاد.

مقام منبع ریاست روحانی اسلام باید درین موضوع منتها درجه حمایت را از ملت بنمایند چه امروزه جنم ملت با اشارات رؤسای روحانی است، اگرچه اینگونه مسائل را نباید مربوط بمذهب نمود و باید شعار قومیت قرار داد ولی چون هنوز ایرانیان از حقیقت و ماهیت قومیت واقف نیستند بناچار باید از ضریق مذهب بتنافع قومیشان رسانید، علاوه بر این چون پیرایه مذهب بر او بسته شود اثراتش به تمام مسلمانان عاید و مضارش بدول متجاوز پیش خواهد بود و زود تر و بهتر میتوان مقصود مائل آمد، باز هم مشروط بر اینکه باقوال پلنیک اعتماد نه نموده و تا مقصود المرام نشود آن اقدام و آن حکم را مرتقع ندارند ایرانیان باید جدا مستعد مدافعه متجاوزین بحقوق خود باشند، امور ظیبی را نمیتوان از مجرای حقوقی خود باز داشت، از ابتدای عالم هر مرعوب مبدوم گردیده و هر جری قوی شده است - حریت، استقلال، سرافرازی، با مرعوبیت صدیت نامه دارند و در يك نقطه جمع نتوانند گردید

عجبا که این مرعوبیت که ایرانیانرا زبون همسایگان نموده محض بی حقیقت و ناشی از جهالت است، مثل همان مرعوبیتی است که قرنهای از سلطان خود داشتند و عاقبت دیدند که قوای سلطان در جنب قوه آنها ماند قطره و دریاست، بر فرض محال همچو تصور شود که ایرانی از مدافعه متجاوزین عاجز و باید در تجاوزات غیر حقانه آنها همه قسم نزاك مخرج دهد (یعنی تسلیم شود) نتیجه این مرعوبیت چه خواهد شد؟ باید با منتهای بی شرفی و مذلت صرف نظر از همه چیز حتی مذهب خود نموده برای زندگانی دو روزه به تجزیه خود و اضحلال قومیت و ملیت خویش تن در دهد ولی اگر ترك مرعوبیت نموده به حفظ حقوق خود در سربازی زیر دست شویم هم شرف تاریخی حاصل نموده و هم حیثیت بشری خود را در

قلوب عالمیان برقرار داشته به نظر غنیم هم پست مایه
بشار نخواهیم رفت ، برهان در این بیان بهتر از
ملاحظه حال هند و ترنسوال نیست که این يك
به مرعوبیت تسلیم گردید و آن يك به جسارت مغلوب
شد آیا شرف تاریخی کدام يك از آنها حاصل گردید ؟
بشهادت تاریخ قومی که مرعوب شد یعنی جان را از
حقوق ملیه و وطنیه عزیزتر داشت بدون شبهه سریم
مصمحل و نابود میگردد ولو هر قدر جسم و بزرگ
باشد . برعکس ملتی که حقوق وطنیه را از جان گرامی تر
داشته بصبأً بتدارج عالیه نائل آمده است ولو هر قدر
مختصر و کوچک بوده . فرقی که در شاه سلطان حسین
و مادر دیده می شود همین نکته است و بس ،
مرایای شاه سلطان حسین بر مادر معلوم ، اسبابیکه
رای شاه سلطان حسین میا بود معین ، مرعوبیت
سلطان حسین مملکت ایران را بچه حال دوجار کرد
بین و حسارت نادر ملت ایرارا بچه مقام رسانید
هویداست مملکت همان مملکت رعیت همان رعیت فقط
فرق در يك پادشاه مرعوب و حصور بود و حال آنکه
چنانچه بارها نوشته ایم قوای طبیعی ایران امروزه
ماندازه اسب که میتواند درحاک خود از چنددوات
ماند روس مذاقه نمایند . امروز شش قوت قویه برای
ایران موحود است . قوای طبیعی ملت و دولت ،
قوای روحانیت اسلاوی ، از همه بالاتر قوه است که
امروز طبعاً از توجه مسلمانان عالم عاید به ایرانیان
است بحکم قوتیست که از توجه حریت خواهان
عالم اسانیت بآنها تواند رسید . ششم قوت سیاسی
رقبای متجاوزین است که سرأ و علناً آنها را تقویت
خواهد داد . فقط چیزی که مانع از استاده ایرانیان
ارین قوای ششگانه شده يك مرعوبیت بی جایست که
نهچند جهالت و نادان از اوضاع عالم است
ایرانیان باید از روی علم و یقین بدانند دولیکه
امروزه دارند درحاک شان سوق عسکر می دهند فقط
فائده این مرعوبیت آنها گرفته اند نه از قوای قاهره
خویش ، ورنه دول متجاوزه کنونی ایران را آن
قدرت نیست که اگر ایرانیان بحفظ حقوق خود
برخیزند آنها بتوانند ایستاد ، اگر ایرانیان ترك
مرعوبیت گویند هیچ دولت نمیتواند در وطن آنها
بمنزله حقوقشان را پایمال نماید . دولت روس امروزه از
عهده خرابیهای اندرون خویش بر نمی آید ، دولت

روس هر آن از تجزیه و انقلاب مملکت خویش
منزل است ، احرار روسیه منتظر فرصتند ،
اگر دولت روس در يك نقطه سرگرم شود خیلی
سخت تر از انقلاب اخیر سر بلند خواهند نمود ،
مالیه روس باندازه خراب است که اگر يك لطمه
اجباری باو برسد ورشکست می شود ، دولت بلژیک
هم جز درماتیه حالات اندرونی ممالک خویش بهتر از
روس نیست . مملکت وسیله هند مانند کوه آتشی فشان
دهن باز کرده است ، ظاهر است که جنگ با
ایران يك ماه و يك سال ختم نمیشود ، باعاقی سپاسون
هرکس امروزه مستعد جنگ با ایران شود جنگ
می ساله را برای خود دعوت کرده است

گذشته بر اینها قبضه يك کتب از خاک ایران با
جاری شدن دریای خون در اروپا توأم است ، ایرانیان
باید بدانند که اگر ترك مرعوبیت گویند ایران از
تجزیه مصون است . ولی اگر خود بخود تسلیم اجاب
شوند خاکیت که خود بفرق خویش ریخته
رای به تقدیر و مقتضیات سیاسی عالم ندارد ، هرگاه
ایران در طریق احقاق حقوق خویش بتأون پیش
آمده و يك ماه با روس ولو بجنگ و گریز باشد
بجنگد و لوله درعالم می اندازد ، چنانچه بارها نوشته ایم
ما ابداً خواهان جنگ میباشیم . ولی به مرعوبیت و
بی شرفی هم راضی نیستیم که ترك استقلال وطنی و
ملتی و مذهبی خود را بگویم . اگر همسایگان ترك
تجاوز بحقوق ما نگویند ما را لازم و واجب است
شرعاً عقلاً تمدناً سیاستاً مدافعه از حقوق خود ما ایم ،
حالا دیگر بر مقام منین ریاست روحان اسلام مبرهن
گردید که تدکراف امپراطور روس و وعده اخراج
قشون و واسطه آرگیختن تام پلیدی بود و برهانش
هم حسی است ، چه امروز دیگر هیچ بهای برای
روس در قیام قشون در ایران باقی نمانده درینوقع
سکوت ایرانیان چشم پوشی از حقوق ملی و تسلیم
دادن مملکت باوست ، و هرگاه ایرانیان سخت نایستند
و قشون همسایگان را خارج نکنند فرداست که يك
بازی پلیدی در آورده يك گربه تازه برقصاند و مانند
مصر و منچوری امتداد قیام قشون خود را لازم
قرار دهند

این نکته را هم ناگفته نماندیم که ایرانیان
تاریخی که با یکی از همسایگان هیچ نمیکند

نه هر سوخت از قلوب ملت زائل خواهد گردید و نه همسایگان پیش پای خود خواهند نشست که با فراقت بال باصلاحات خود به پردازند

هرگاه امر منجر بدفاع شد حضرات آیات الله باید علاوه بر اصدار احکام عمومی خودشان هم بحجاب ایران رهسپار گردند و بوعد و وعید و واسطه و وسیله باز نیایند تا نتیجه مطلوبه را حاصل کنند هرگاه حضرات آیات الله از کربلا باز نگشته بودند فوراً نتیجه مطلوبه حاصل میگردد و کار تا این درجه بطول نمی انجامید. باز هم میگویم روس را باید از ایران بیرون کرد نه باین امید است که خودش بیرون رود

(۷) سازش سیاسی ایران است با دول سائره از قبیل عثمانی، آلمانی امریکائی آستریائی نراسوی و غیره. چه تا امروز هر صدمه بایران وارد شده از همسایگان شمال و جنوب بوده و ازین و بعد هم هر صدمه برسد از آنها خواهد رسید، ما راست که دیت رقابتی در جلو آنها به تراشیم. اگر چه امید نفع از جنس اروپائی برای آسیان در عوالم سیاست خطاست و اگر هر یک از دول اروپا بحای همسایگان شمال و جنوب ما بودند و این بحسی را در ما مشاهده میکردند هم سلوک را در حق مان مرعی میداشتند، فقط فرق ایست تا وقتی که آنان نتواند با صدمه وارد آرد سی سال طول دارد و بکن که در سی سال خودمان آلمان شرق شویم، ما باید در برلن یک انجمن اتحادیه بین ملتین آلمان و ایران قائم نماییم که تا درجه همسایگان در تجاوزات خود دست بروی خویش گیرند

(۸) تا جائیکه ممکن باشد قرض از خارجه نباید کرد و امتیاز باجنب هم نباید داد، خصوصاً به روس و انگلیس، ولی هرگاه روس و انگلیس قشون خود را خارج کردند و کار بجای نازک نکشید ایرانیان هم همین مسلک حاضره برقرار ماندنشان اصلح است

متاع قلب
(تعالی نانی)

نمی توانم بگویم اوضاع تفاوت نکرده و معیار حال را با ماضی نسبت نهدم، پیش از دیماهوی بحسروطنه ترتیب حکومت ایران کمال وقاحت را داشت، اختیاری که بشود به وزیران و حکام ولایات بزرگ

میداد و اختیاری که ایشان به نواب و عمال خود میسپردند در سعی یکی میبود و بیک نهج منشأه مستبده اجرا مییافت، پنداشتی خصمت استبداد سرلوح رفتار بزمی بود، مناصب در ادارات دولتی خرید و فروش میشد و همه میداستند که مقصود مداخل است و بس، بایع و مشتری بخو اکال مسبوق میبودند که وجهی که داده شده متدرجاً ولی کلاً از کسایکه ریودست تراند دو شیده خواهد شد تا دست آخر این شیشه ححات بر پشت زارع فلک زده قرار میگرف

ما این حال عجب نبود اگر بوران قوم قیام به اهدام بیان سلطنت شععی تودید و طرح بنای اقتدار محدود و بختند، منصفین تاریخ دان حایشان هست که این جنبش ملی چرا بوحود آمده و از کدام سرچشمه آب میخورد. ما بایران هر قدر صالح و نایم پسند باشد، هر قدر صابر و قناعت دوست باشد، هر قدر موقر و تحمل طلب باشد تنگ بیصیاتی و بیعاری را بر خود روا نخواهد داشت. ملتیان ولو بنور مفهوم حکومت منروطی را کاملاً و حقیقتاً در نکرده باشند ولو شاید نتوانند تمام تبدیلات را که میخواست روی کار آرند بخودشان توضیح نمایند، ولی با تفری که از مشیران نفس پرست دارند با دلسوزیشان مانسبه بعضاً با مقاصد نیم سیاسی و نیم مذهبی شان این مجاهدین بیور بایک استقامت غیر عادی خویشین را با حقوق مادرزادی فرزندان گنگ جاهل صبور عاجز مملکت یکی ساخته اند و اطمینان لایعی به نصرت قهار لم یزل دارند، آخر آخرتی هم هست و الا خلقت نه فقط بیک شوخی خنک بلکه شوخی شیدی میبود، بی تقریباً جنایتی خواهد بود، ایحد خلائق را مسبب بودن بدون استرمای خودشان فقط برای اعدامشان بعد از چندی و حقیقت زندگایشان را بقصود ساختن بدتر از خواهرای مجاس خواهد بود، چرا که فایده به دنیا آوردن بمر چیست، تا درد و مرض و محنت بکشد اگر تنها شکنجه مادام العمر مترا بهره او و مرگ عاقبت او باید باشد، خیر خیر این نقشه بسیط آلهی که عالم میخوانیم بی ربط و بیصرف نیست، هیچ گوشه و نقطه آنرا نامتناسب یا لایشمرا نه نکشیده اند، اگر گاهی بعضی قضایا با

متفکره محدود ما موافق نیاقتند جهش اینست که ما با حاشیه جزوی خود تمام تدبیر آن مدبر کل را ادراک نمیتوانیم کرد و چون نمیفهمیم بامثل سگ زبان مبدکشیم یا به انتهای دیگر رفته مهوت و واله میشویم هیچ یک از این دو شیوه مستحسن نیست به باید بااصلاح بر شورش کرد و نه هم مجسمه متحرک گشت

اگر مخالفین بد سکزدند ملتفت باشید از شما خلاقی سرزنند، نه اینکه دور هم حلقه زده باآسمان بر خاش نایید و اگر هم خدا نخواسته زمهره مانده هنوز در گوشه و کنار مشغول عناد و افساد اند، خیازه تسلیم نکشیده قضا و قدر را حاشا الحطب خود نسازید، شرعیات و ادبیات ایران تاکنون ترتیب صحیح ندارند

بن ناظم الشریعه ملایری و کتف الاسلام تنگابنی قدر مشترک دیده نمیشود، ملک الشعراء فارس و لسان الملك عراق بااصطلاحات یکدیگر خورده میگیرند، شرعیات و ادبیات آینه اقبال و ادبار قوم است ارکان دیانت ملی هر وقت عمیق و صلب نهاده گشت و مجاری افکار هر زمان سلیم و مستقیم گردید شاه حق دارد دهبیم خود را کج گذارد و رعیت کلاه ند را - و الا فلا

امروزه تکلیف آحاد محررین است که سی در احمای خیالات ملت نموده موهومات دلقانوسی را که مغرب حیثیت عقلانی است از سرقوم بیرون کنند تبدالصمد شاه

شماره کرمان و محسن آن

در ایقوع که او های تیره سیاسی تمام فضای ایران را احاطه نموده و استقلال وطن عزیز ما بوقی آویخته است، بی ماه و سال در شرف هنوز اغراض کثیف خود را ترك نمی نمایند و راه نجات خود را منحصر باین دیده که بای حرحه را بیان آورده شاید از صدقه سر آنها دو دفعه باقتدار استبداد بایل شده بتوانند حریجه و تاراج نمایند یا رشوه ستانند - حیث است که صفحه اخبار مقدس را نام بعضی وطن فروشان او اعمال آنها که عوام کالانام و اسباب کار خود قرار داده چه فسادها کرده چه تلگرافات نموده ملوث سازم،

علی الحاله گویا در مرکز نیز هنوز دست بعضی امانی

خان بی ناموس بی حس بی شرف که فساد جلی آنها شده و طبیعت نازوی آنها گردیده دوکاراست، و میخواهند انجمن هائی تشکیل یابد که هواخواه اعمال آنها باشد و برده از اعمال آنها بر ندارد

البته امروز اگر مجلس شورای ملی و انجمن های ایالتی بتاعده صورت نه بنده هر ار درجه اوضاع ایران خراب تر خواهند شد، دیگر راه علاج برای آن نه خواهد بود، چه علاوه از مفاسد سابقه مستبدین بکنوع همراهی با خارجه بهم رسیده و میخواهند راه بهانه بر آنها باز نمایند، عوام را اغلب شریک و عمداً خارجه را داخل کار مینمایند و اینقدر احمق هستند که تصور می کنند استیلاء خارجه بحال آنها نافع است، چرا که جانی را ندیده و لذت حکومت خارجه را نچشیده که خلاصی هم بآنها رجوع نخواهد شد

خدا میداند بتدیری پیشرفت امورات مشکل است که بجز بیک قدرت ملی بی غرض دیگر در قوه احدی نیست بتواند کاری بکند، آخر تمام این طالبات ایران چه از رعیت چه از خالصجات چه حقوق قشون در ایحمت صرف حیب مبارک همین اشخاص شده، علاوه تاراج و حریجه هم بوده است، و با اینهمه تاراج اکتفا نکرده دولت را هم گرفتار قرض خارجه کرده شش کرور نیز هم ساله باید قرض نمایند، حالا مرد میخواهد که جلوگیری نماید بمحض اینکه در یک انجمنی بکنفر یک که برخلاف منافع آنها گفتگو کرد فوراً از راههای مختلفه طوری او را منسد، مفرض، آشوب طلب، دیوانه، سفیه، بقم میدهند و هزارها تلگرافات از اطراف مینمایند که البته فلان شخص وزیر، خواه عالیه یا داخله با جنگ باور خواهد کرد، حق دارد معصوم که نیست لابد آرا خلق می نمایند دیگر جرئت شیر میخواهد که یک که حرف حق بگوید

همین سببها انجمنی کرمانیان تاسیس کرده بودند چند نفر علما و مستوفی و تاجر انتخاب شده بود اگر چه علم در کایه ایران نیست باز باتسبه یکی دو نفر بصیر در آنها بود که تکلیف وکالت را درک نماید، از کم تجریکی طالبات خارجه جان آنها را بجهت سوار و سرباز نظمیة تجویز کردند، و نمود از اطراف تلگرافات نموده رئیس تلگراف

تقریباً میلیون بوده بمغایر غیر موجه که نماینده حکومت
 نه بوده اعضای انجمن انتخاب شده است (و حال
 آنکه خلاف واقع گفته اند) بهر حال امر به توقیف
 آن رسیده و مشکل است دیگر انجمنی از خیرخواهان
 تشکیل یابد مگر همان اشخاص مطابق میل خود انجمن
 دایر نمایند ، عتلا دیگر پیرامون آن هم نخواهند گردید
 تا تدبیرات غیبیه بر ترقی ایران و ایرانیان تعلق
 گیرد - حیالت و بی علمی ایران را بر باد داد

مکتوب از کرمان

(ارباب حل و عقد)

(ملاحظه نمایند)

اعلی اهالی ایران خاصه مردم کرمان کثر
 مسافرت بحارجه نموده و اگر نیز رفته باشند قطع
 محض گردش یا تحصیل معاش بوده از اوصاع حارجه
 و علوم آنها چیزی نفهمیده علاوه از شدت ظلم و
 فشار استبداد از مراتب تهذیب اخلاق و تمدن و
 تحصیل علوم حدیده حتی خواندن و نوشتن فارسی
 محروم آمده ، لذا دریک ایالت بزرگ که دو کرور
 متجاوز حمیت دارد شاید صدی یکگز سواد فارسی
 دارد آهم که دارد بچاره هاب کالات آن خواندن
 کنندرنامه و چکامه ها و امساها بوده ، و اگر
 شخصی احیانا طالب دانستن اخبارات و تواریخ
 گذشتگان بوده وسیع تواریخ ما که جز تملقات
 بی حصر و واقعات مهمل چیزی نیست ، معلوم است
 علاوه از اثر اعمال رؤسی این مملکت ادلب صفات
 ردیه و ذمیمه اردروع گفتن و قسم دروع خوردن
 و خدعه و فریب و ساقی و دو روئی حتی در محاکم
 شرع طیبی اغلب خاص و عام شده ، متمدیس و
 مشروطه خواهان توقع دارند که یکدفعه قلب
 ماهیت از همه قومی شده مثل ام الی پاریس و
 لندن در تحت قانون در آمده باندک زمان صاحب
 علوم شده خود را از ذلت احتیاج نجات داده
 استقلال ملی و شرافت و حریت که امروز تمام
 روی زمین جز معدودی و حتی های مرکز افریقا
 دارا نیستند تحصیل نمایند

هیات هیات خفاش را چه مناسبت با نور آفتاب ،
 اگر کسی کور نباشد و نظر حق بن آن
 روشن باشد ، ناچار خواهد دید که جلالت

قدر و علم و بصیرت و باکی طینت حجج بالینه
 اسلام که فتوی بر وجوب مجلس شورای ملی
 داده اند بجه پایه است ، برخلاف اشخاصی که ضدیت
 نموده محض اغراض نفسانی باعث ایسجه قتل نفوس
 و تاراج اموال ملت فلك زده ایران شدند خیانت
 فطرت آنها بجه پایه است ، سوی ایرانی های داخه
 ایران که جز شهر خود حان را ندیده و از اوضاع
 کنونی عالم خبر ندارد دیگر تمام مسلمان های کره
 ارض این دو فرقه را که در فوق عرض شده یکی
 را رحمت و دیگری را لعنت تقدیم می نمایند ،

ای بیچارگان بی وقوف ، مردم تبریز چون دوسر حد
 واقع شده علم آنها بر اوصاع کنونی عالم و اغراض
 همایکان زیاد تر است که این همه خون ها در
 راه حفظ استقلال وطن ریخته ، شاهها خناش سیرت
 دشمن دین و وطن خود را دعوت می نمایند ، خیال
 می کنید این استبداد و مفت خوری برای شما باقی
 خواهد ماند که برای یک کله ایجاد قانون جلوگیری
 از مداخل های غیر مشروع و رفع احتیاج از
 خارجه و ترقی وطن شما و رفع ظلم ، همه این
 مطالب مشروع که حس آنها از آفتاب روشن تر
 است قبیح نموده بعنوان دین و دلسوزی بر اسلام
 مردم جاهل را هم انداخته صد هزار نفس را پایمال
 نمودید و ایرانی را بی بینی گری در تمام کره
 ارض ثابت کردید - عجب خدمتی باسلام نمودید !

(مد گهر را علم و هنر آموختن)

(دادن تیغ است دس راه زن)

یا لله حب فنوز دس می کشید ، دیگر از همه ما
 جاهل تر و وحشی تر اهالی عارس را که دار العلم
 میدانستیم دارالجهل باید خواند ، علاوه از آنکه از
 همه جا زیاد تر بجه نخون یکدیگر رنگس کردند
 بعضی جنرات الارض و سیاع صاره و ایلات متفرقه
 بی ناموس عرب و بهارلو تمام حتی بلوکات کرمان
 و یزد را تاراج ، شکم های خود و روسای بی دین
 خود را از مال حرام آ گنده ساخته حتی روار
 حضرت رسا علیه السلام را لعن کردند ، چرا
 نکنند! زیرا که این همه آفتاب و تجملات را اززدی
 بهم بسته ، بعضی مسلمان های شهر شیراز نیز تنخواه
 ارزان خریدند ، جامه مسروقه نوامیس مسلمانان را

زهای خود پوشانیدند، این حیوانات وحشی هنوز
 نسب نمی‌کنند، تازه ده روز است قریب ششصد نفر
 سارقین عرب بهارلو بطرف بلوک سیرجان آمده تمام
 دهات خطه سیرجان را غارت کرده مشتصد نفر نیز
 از این حاورها به تحریک مجسمه استبداد بصرالدوله
 باطراف رفسنجان آمده تمام اطراف و دهات را
 غارت، حتی طرف بوت و راه خراسان رفته که تا طبرستان
 نرسد نباید، فقط وسط و فسسجان چند روز است
 اهالی با کسان صاحب اختیار که روانه
 طهران بودند مشغول دعای و تلگراف صاحب
 اختیار رسیده که اگر حتی عداوت برسد آنجا نیز
 معلوب و قتل و تاراج خواهد شد، انجمن ایالتی
 بست روز قبل سردار بصرت رئیس قشون را
 مسئول نظم شهر و تربیه سوار و سرباز نموده که
 از مالیات خاصه حاکم حقوق آنها را داده باشد،
 حاجت محالین تلگرافات عرض آمیز کردند، انجمن
 را موقتاً امر به توقیف و نیابت حکومت را به
 نصره المالك که مالک ار اوضاع مشروطه بی خبر
 محض است داده، لذا حال حالیه ملک خنثی شده
 به استبداد است، به مشروطه بعضی وکلا از عدم پیشرفت
 کار و صدیت و اعراض دیگران و جهالت و نادانی
 ملت و جمعیت شهر که هر وقت امر با اجتماع آنها
 شده که حقوق ملت آنها را حالی نمایند جز در خواست
 ارزانی مان و گوشت چیزی نگفته و نشنیده کنار
 نموده اند حکومت جدید بست هزار تومان خواسته است
 نایب الحکومه موقتی شروع بگرفتن مالیات و
 صاحب منصبان شروع بگرفتن محلی سرباز نموده
 بعضی شکایت کردند امنیت بکل نیست، شبها
 اشراق بنرارت وزدن تفنگ مشغول، سارقین مشغول
 کندن دکابن، راهها ناامن، تمام بلوکات را سارقین
 غارت کرده، گرفتن مالیات چه حاصل دارد، سرباز
 صد نفر موجود نیست، تمام محل سرباز را گرفتن
 بچه قانون است و آسگی دولت مشروطه که باید
 مالیه آن بامور وزیر مالیه رسیده از روی قانون
 صحیح معارج لازمه رسانند، حکومت مواجب معین
 دارد، توقع صد هزار تومان دخل نباید به نماید،
 لاکس کسی گوش باین حرف ها نداده علی‌العجله
 در خارج شهر اردوئی تشکیل میدهند که متدرجا
 سربازی جمع نمایند

مقتضی خان ایل یکی ایل افشار در بیست نفر
 شهر با چهار صد پانصد نفر سوار و پیاده
 دارد اگر چهار نفر اشخاص بی‌غرض و مان پرست
 می‌رفتند و آنها را با خزانین وکیل‌المدکی صلح داده
 همین الآن ممکن بود آنها را با هزار دو هزار
 سوار و پیاده حرکت داده بطرف رفسنجان رفته
 عرب و بهارلو را متفرق نمایند و آنها را قلع و قمع کنند
 لاسکن هر روز از طرفین صدیت و عداوت
 آنها زیاد شده ایما در شهر متعرض افشارها
 می‌شود، آنها در دهات حاله که خوانین خریده
 رفته عارت می‌نمایند

حق این است که مردم این شهر بکلی حس
 شری ندارند چندان پای بدین نیز نمی‌مانند و
 هنوز گرفتار اعراض کثیفه و تصرف موقوفات
 اند، قابل ایکه آنها را مستبد و دشمن مشروطه
 نیز بخوانیم نیستند، جناب حاجی میرزا محمد رضا
 مجتهد سلمه‌الله از تلامذه حضرت حجة الاسلام آقای
 خراسانی ارواحنا فداء امتحاناتی فرموده مجلسی
 برپا کرده بعضی از ملامها صدیت کرده هر روز
 اندها عوام کالانعام را مشوش کرده اسباب اعراض
 خود می‌سازند، امروز اگر در این جور شهرها
 که عوام آن حکم گوسفند را دارند حاکم مشروطه
 و خدا پرست و وطن خواه باشد معنی دین و وطن
 و استقلال ملی و ناموس پرستی را درک کرده باشد
 البته از همه جا بهتر و زودتر امن و اصلاح و قوانین
 مشروطیت جاری خواهد شد، و الا هرگاه حکومت
 برخلاف، مداخل خواه، مرور، و بی‌حقیقت باشد
 البته اسباب خوبی برای دخل و تصرف ذات‌الذات
 موجود است، چرا که دو نفر متفق در این شهر
 نیست بعضی آشوب طلب می‌باشند، زرگان آن گدا و
 گدا طبع و این واقعات و نظامنامه و انتخابات را باز می
 میدانند و کاغذ پاره می‌خوانند سالها معاش یومیه
 آنها بفارت و جریمه بوده است، وکلای موجود نیز
 اغلب بی‌خبر از اوضاع سیاسی و وضع مملکت گرمی
 زیادی ندارند، کسی هنوز در خیال وکلای دارالشوری
 نیفتاده است که لا محاله افراد آنها را معین نمایند
 و روانه سازند - اشخاص هم که ادعای ریاست و
 شخصیت دارند همه کنار رو و عیب جو و مهربان
 و بی‌کاره،

چون پیش از روزنامه حبل المتین سبب عدم جنبش آنها را حمل به تقلید فلان یزیدی نموده بودند خیر این مطلب اشتباه است ، چندان اهالی این ملک یای بند دین نمی باشند ، و در بند تقلید و رسائل عملیه علمای نیستند الا معدودی ، قاطبه رساله ندارند ، طایفه شیخیه که طریقه تقلید آنها از علمای خودشان است ، واعظ صاحب خون که واقف بمواقف عصر باشد و محبت بدارد حرارتی در ابدان انسرده و کابرد مرده آنها احداث شود نیست ، یک روزنامه نیست ، اخبار هم نمیخوانند ، این است حالت اجال اهالی این ملک - مربی و رئیس صاحب روح نیست ، اگر باشد از همه جا زودتر خاصه مردم دهات و گرمسیرات مجادّه اند - آیت داخل خواهند شد ، مثل کله گوستندی است بدون رای ، امید است اگر حکومت وارد شود مفصل احوال این ملک را بعرض خواهد رسانید

علی‌المجاهه چون عوام شهری چندان مدرک ندارد که وکلا را محترم داشته بحال خود بگذارند که مشغول اصلاحات ملکی باشند هر روز حواس آنها را بریشان کرده نان میخواهند ، دهات یزید محادّه اعتدال راه نبروند ، از انجمنه نه انجمن آنها فوق دارد نه آنها از مراتب محنت آزادی و حریت انتاع خواهند برد ، چنانچه بعضی رؤسای لشکری و کشوری این نظام نامه و گفتگو های مشروطه را بازیچه و مسخره میدانند . بعضی میگویند کاند - پلی بدست گرفته نمی گذارند مالیات بگیریم ، با هایت بی ترتیبی مشغول گرفتن مالیات و محلی سرباز - صاحب منصبان جزء یزید همان عادت دیرینه تی بگیرتی بگیر هرکس را بجهت سربازی گرفته پولی داده مرخص میشود و الا باید سرباز باشد ، او ابدأ ملاحظه از وزارت جلیله جنگ ندارند که شاید روری برسد که بای تحقیقات در میان آید ، اطمینان ندارند که اگر انجمن هم باشد بی عرضه مفتوح شود ، وجلوگیری از این مفاسد نماید . فوراً هیئت مستبد جلو آنها می تراشیم که بگویند اینها اغراض دارند مانع از اخذ و وصول مالیات میباشد

اما علی‌المجاهه این بی اعتدالی ما نسبت بحوله و دهات قریبه شهر است متدرجاً بالا خواهند رفت اگر قوتی هم برسانند

لذا تکلیف وزارت جلیله جنگ این است که هرگاه اراده ترقی قشون کرمان و بلوچستان را که سرحد بزرگ دولت ایران است داشته باشد مامور بزرگ مخصوص مامور فرمایند ، باندک زمان قشون این ملک در نهایت امتیاز بقانون صحیح مرتب خواهد شد ، انطباق دو طلبانه سوارهای ممتاز و سرباز سرحدی و گرمسیری و حازه سوار حاضرند از جان و دل خدمت نمایند ، در سرحدات ، بواسطه کثرت گندم و ارزانی درخاکی مثل بلوچستان ممکن است بنجاه نوج نگاهدارند . انشاء الله در موقع خود یادآوری خواهند شد ، علی‌المجاهه بالصراحه حضور می - ارك حضرت اشرف وزارت جلیله جنگ دام اقباله‌العالی و حضرت اشرف وزیر داخله عرض میکنم که وضع قشون کرمان همان حالت بازی قدیم است که بوده جوی فقیر را بزور میخواهند حاضر نمایند . این قافه تا بحر لنگ است . گویا همه شهرها همین حالت را دارد

اعلی اخبار سکاران موثق حبل المتین که مایل باستقلال ملی ایران میباشد تکلیف مذهبی خود میداند اصلاحات این دو اداره وزارت جلیله جنگ و داخله را بعرض رسانند ، البته صاحب منصبهای معقول چشم سیر نجیب هم از سرتیب و سرهنگ و سردار و سالار موجود است که مایل بمداخل از سرباز نمیشاند ، لکن چون قانون درکار نیست لذا مامورین جزو که در این یکسال گرسه بوده حالا بحساب راه نبروند . اصل دولت مشروطه اجرای قانون است ، تا قانون نرسد هیچ کار مرتب نخواهد شد . خوب است آن بزرگواران که در سر لوحه تاریخ عالم بافتخار ابدی نامبردار میباشد تمام هم خود را در اصلاح و تمام این دو امر بزرگ صرف فرموده معلم های بی عرض از داخله و خارجه کسب نموده قانون سیاسی این دو اداره را مجلد نمایند تا از روی قانون ، ترتیبات آن بردارند ، عمل قدیم حالا لازم نیست ، علی‌المجاهه اگر مواجب و حیر باشد سوار و سرباز دو طلب از اندازه که میخواهند زیاده است و این بواسطه این است که مردم فقیر اند و ظلم بر آنها زیاد شده با نهایت میل در سلك ادار عسکری داخل خواهند شد